

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۱۰ \* ( ۲ شوال ۱۳۵۰ )

## فهرست مذاکرات

۱) تصویب صورت مجلس  
۲) شور لایحه اصلاح قانون دخانیات

۳) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه دوازدهم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - آقای ملک مدنی

رئیس - آقای دولتشاهی

**ملک مدنی** (رئیس کمیسیون عرایض) - عرض کنم در کمیسیون مرخصی ها تصویب شده بود برای این که سایر آقایان هم تذکر ندهند عرض میکنم که مرخصی ها تصویب شده منتهای خبرش تقدیم مقام ریاست نشده هم مرخصی آقای دولتشاهی و آقای فرهنگد و هم سایرین که استجازه کرده بودند تصویب شده است.

**محمد علی میرزا دولتشاهی** - در صورت جلسه اینطور خوانده شد که در جلسه گذشته آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان مریض بوده اند و بوسیله خود بنده از مقام ریاست استجازه کرده اند خواستم تقاضا کنم که اصلاح شود.

**رئیس** - بنده هم همینطور گفتم که لابد در جریان کار است. در صورت مجلس دیگر نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

**رئیس** - تحقیق میکنیم اصلاح میشود. آقای فرهنگد **فرهنگد** - در جلسه گذشته بنده بواسطه عارضه کسالت توانستم تشریف حاصل کنم کتباً هم عرض کرده.

\* \* \* عین مذاکرات مشروح شصت و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )  
دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان: مفتی - میرزا محمد خان وکیل - حبیبی - آصف - انبال  
غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - مخبر فرهنگد - دکتر امیر اعلم - اسفندیاری - میرزا صادق خان اکبر - آشتیانی  
اعظم زنگنه - طباطبائی وکیل - حاج حسین آقا مهدوی - حسن علی میرزا دولتشاهی - مصدق جهانشاهی - طهرانی - عبد الحسین خان دیبا - امیر حسین خان ایلیخان - حکمت - حسین قلی خان نواب - قوام - حاج غلامحسین ملک  
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: مولوی - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج تقی وهاب زاده - بوشهری - مجد ضیائی - آقا زاده سبزواری - مسعود ثبتي - شریعت زاده - محمد ناصر خان قشقائی

سابق خرید میکردند از آن کمتر شده زارع بیچاره يك زراعتی را بازحمت تهیه میکند مجبور هم هست که در يك ماه معینی و در يك مدت معینی این را بانبار اداره انحصار بیاورد و تحویل بدهد خریداران هم يك چند نفر اشخاص معین هستند و بعد هم آن زارع بیچاره قروضی دارد که برای تهیه این زراعت رفته پول را قرض کرده بایک فرع معینی که همه آقایان مطلع هستند در اغلب این نقاط جزء بانك نیست که زارع با مالك بتواند برود آنجا وجهی را که برای زراعت خودش میخواهد تهیه بکند بایک فرع خیلی نازلی و مجبور هستند از سرمایه‌های محلی بافرعهای سنگین تومانی يك عباسی و پنجشاهی تهیه کنند و بیاورد و بعد از آنکه تهیه کرد و آورد به آن قیمتی که برای او تمام شده تاجر خریداری نمی‌کند و مجبور هم نیست که خرید کند زیرا اختیار دست خودش است می‌گوید این در انبار بماند هر وقت آن قیمت نازلی که من تعیین کردم حاضر شد بیاید بمن بفروشد در کمیسیون قوانین مالیه آقایان اعضاء تشریف داشتند یکوقتی بنده را دعوت کرده بودند در یکی از جلسات آنجا بنده عرض کردم ما در نتیجه تجربه که از اشباه این انحصار حاصل کردیم باید در این موقعی که این لایحه انحصار دخانیات به مجلس آمده پیش بینی کنیم که نظایر پیش‌آمدی که الآن شده و اقدام برای حل آن شده واقع نشود و آن البته قضیه تریاک است که همه آقایان مسبوقند ما باید کاری بکنیم که این محصولی که بالاخره يك قسمت زیاد مردم از آن استفاده میکنند بمرور طوری نشود که نصف آن زراعت از بین برود. تباکو و توتون در اکثر ولایات يك قیمت خیلی نازلی داشت که بمرور در نتیجه رقابتهائی که بود قیمتش بالا رفته بود و این لایحه بعقیده بنده اگر چنانچه قیمت قطعی درش معین نشود نرخ توتون را بمرور پائین می‌آورد در صورتیکه اگر سابق زارع برای زراعت توتون فرضاً بیست تومان خرج میکرد امروز ناچار است چهل تومان خرج کند از نقطه نظر گرانی عمده از نقطه نظر عوارضاتی که تهیه شده و کمیسیون آنموقع موافقت کردند آقای

و بر مالیه هم تشریف داشتند که این نظر را عرض کردم که یا خودتان این انحصار را اجراء کنید ماهم حرفی نداریم چون مجلس شورای ملی و عامه بدولت و حسن نیت دولت اعتماد دارد یعنی همان طبقه زارع را دولت مکلف است نگهداری کند ولی شما که خودتان اجراء نمیکنید مادر عمل هم مشاهده کردیم این انحصار و اختیار را شما از مجلس می‌گیرید یعنی دولت بنام خودش میگیرد و در ضمن حق دارد که بدیگران هم واگذار کند چون آقای وزیر مالیه هم تشریف آورده‌اند بنده میخواهم قسمت اول عرایضم را بطور اختصار تکرار کنم که آقای وزیر مالیه هم متوجه شوند اشخاص خارج نمی‌خرند بالاخره الزامی هم ندارند و او بالاخره خریدار است و میداند که خریدار این جنس هم منحصراً خودش است میگذارد تا خرواری صد و پنجاه تومان را صد تومان بخرد بنده عرض کردم ما باید در قانون نرخ سه ساله اخیر را معین کنیم از روی دفاتر تجار و در این قانون ذکر شود که تاجر کمتر از آن نرخ حق خرید نداشته باشد حالا اگر زیادتر بخواهد بخرد ما حرفی نداریم اما اگر کمتر خواست بخرد ملزم باشد که باین قیمت خریداری کرده باشد این يك قسمت از عرایض بنده يك قسمت دیگر هم این است که اصولاً بقدری این مالیات را سنگین کرده‌اند که هیچ تناسب ندارد بنده نمیدانم اداره انحصار نظرش این است که چه قدر بر هر من تباکو عوارض وضع کرده باشد خوب است آقای وزیر مالیه اینجا توضیح بدهند این قیمتی که این جا معین کرده اغلب این قیمتها دوسه برابر قیمتی است که فعلاً خرید و فروش می‌شود (افسر - بعضی جاها پنج برابر) به عقیده بنده هر قدر هم که میفرمایند بر مصرف کننده تحمیل می‌شود ولی بنده عرض میکنم باز يك تأثیری هم برای زارع و آن کسی که این زراعت را عمل می‌آورد خواهد داشت خوب است طوری ما در نظر بگیریم که اگر بخواهیم مالیاتهم وضع کنیم يك تناسبی داشته باشد منتهی يك برابر آن. مثلاً يك توتونی است که خرواری صد تومان قیمت دارد يك من يك تومان به آن مالیات بگذارند. فرض کنید يك

تبا کوی بروجردی یا صفحات خراسان که آقایان مسبق هستند يك من دو قران سی شاهی قیمت دارد آنوقت يكمن هفت قران مالیات معین کرده سنگین است عقیده بنده این است که میخواهم عرض کنم موافقت بفرمایند چون این قانون شور اولش است وقتی به کمیسیون بر میگردد يك عده را مجدداً آنجا دعوت کنند ماهم يك نظریاتی که داریم بگوئیم و آنجا مجدداً اصلاح شود يك نکته دیگر که میخواستم در اختتام عرایضم عرض کنم این است که هیچ فرقی قائل نشده‌اید بین تبا کوی شیرازی که يك قیمت خیلی زیادی دارد با تبا کوی طبس و نهاوند و بروجرد (بکنفر از نمایندگان - شیراز هم يكمن سی شاهی دارد) اینها هر سه را يك قیمت معین کرده‌اید در صورتیکه آن قیمتش خیلی زیادتر است و این نازلتر است هر قسمتی را باید مطابق قیمت خودش و استعداد خودش برای آن مالیات وضع کرد این نظریات بنده بود که خواستم اینجا عرض کنم و امیدوارم مورد توجه آقای وزیر مالیه بشود و در شور ثانی اصلاح شود.

**وزیر مالیه** - این لایحه دخانیات که به مجلس آورده‌ام از سر تا پا يك لایحه جدیدی نیست تمام لایحه قدیم دخانیات است با بعضی تغییرات که داده شده و آقایان ملاحظه خواهند فرمود لذا نسبت به بعضی موادش مثل اینکه تباکو را چند طبقه بکنند چنانکه در قانون سابق هم نبوده تجدید نظر کردن اسباب نظیر اشکالات موجوده می‌شود. این قانونی که ما به مجلس آوردیم اگر آقایان ملاحظه کنند در لایحه دولت نظر باین بود که طبقه بندی توتون را موقوف کنیم و برای تمامش يك مالیات معین کنیم برای اینکه اشکالات زیادی برای مردم و مالیه موجود است ولی بعد از خیلی گفتگوها در کمیسیون که اگر آقای ملك تشریف داشتند ملاحظه میفرمودند که این صحبت‌هایی که اینجا می‌شود با ضعاف وضع در کمیسیون شده و تصدیق و تحقیق شده و هر جا که ما ملاحظه کردیم دیدیم يك اشکالی برای مردم هست و زحمتی برای مردم دارد و اصلاحش ممکن است اصلاح کردیم و قبول کردیم. اما

در اصل مسئله مالیات اینکه فرمودند این دو سه مسئله می‌شود یکی این است که اصلاً خوب است يك چیزی بر مالیات موجوده اضافه کنیم یا نکنیم که البته لایحه اصل علت غائیش از میان می‌رود البته منظور این است که علاوه بر اینکه بعضی اشکالات موجوده رفع شود و بعضی چیزهای غیر قانونی قانونی بشود مثل انبارداری و غیر آن که اشتهاها در قانون سابق ذکر نشده بود و این جا نوشته شده که آنچه اخذ می‌شود قانونی بشود علاوه بر این‌ها البته يك منظور عمده هم زیادی عایدات است که عایدات زیاد بشود این را آقایان خودشان میدانند محتاج بتوضیح زیاد بنده نیست ملاحظه کنید اگر ما بنا باشد هر چیزی که بر عایدات مملکت اضافه می‌کنیم بگوئیم بر مردم تحمیل نشود که نمیشود البته وقتی عایدات اضافه میشود يك تحمیل جدیدی بر مردم میشود خود بخود که دفینه پیدا نمی‌کنیم منتهی تحمیلات جدیدی یا قدیمه یعنی گرفتن چیزی از مردم را باید حتی الامکان طوری کرد که آن چیز هائیکه زحمتش کمتر است و حصولش سهل تر است و بارش سنگین تر نیست حتی الامکان در این رویه و در این میزان و در این مبنی باید کار کرد که تحمیل خیلی زیادی بر مردم و مملکت نشود ولی البته مخارج ما سال بسال زیاد میشود و قطعاً هم باید زیاد بشود هیچ تصور پذیر نیست که مخارج ما عقب برود و کم بشود برای اینکه مملکت در راه ترقی است و هر چه نداشتیم تأسیس می‌کنیم ثبت اسناد در این مملکت ده سال بیست سال قبل از این وجود نداشت بسته بیک کهنه قبالة بود که آدم از جیبش در آورد و یکی هم يك قبالة دیگر انوقت دعوی کنند به بینند حق با کدام است حالا سند مالکیت اسباب راحتی مردم میشود البته عدلیه‌ها در ولایات وجود نداشت پست بایستی روز بروز وسعت بگیرد سجل احوال وجود نداشت علاوه بر این به اینها هم نمیتوانیم قناعت کنیم مدارس هر سال زیاد میشود هر سال مرتباً صد نفر شاگرد جدید بخارجه می‌فرستیم و مسلماً باید هر سال عایدات بیشتری پیدا کنیم این قابل بحث نیست اگر

قابل بحث بود بنده در این باب یکساعت صحبت می‌کردم و دست برای همه توضیح میدادم ولی میدانم آقایان اهل سیاست و شریک دولت هستند در حال و عقد امور دولتی و تنها فکر تمنا کوی طبر را نمیکنند و تمام امور را روی هم می‌سجند این است که يك چیزی خواسته شده بر عایدات مملکت اضافه شود منظور که ما نوشته بودیم شاید دو سه برابر بیشتر عاید میشد و این در کیسیون بغداد خیلی بحث‌ها و صحبت بعد اقلی که دیگر از آن کمتر نمیشود پائین آورده شده و حتی اگر صریح عرض کنیم آن درجه که در کیسیون رسید ابتداء دولت نمیتوانست موافقت کند ولی برای اینکه توافق حاصل شود ما هم موافقت کردیم بشرط اینکه دیگر چانه نزیم یعنی این را بعدی رسانده ایم که دیگر نمیشود درش حرف زد اما مسئله که فرمودید راجع به تاجر و این چیزها اینجا دو سه موضوع است بعضی ممکن است که این عقیده را داشته باشند که خوب است دولت همه را بخرد از مردم یکی ممکن است بگوید که خوب است دولت يك قیمت و برخی معین کند که تاجر به آن میزان بخرد یکی بگوید خوب است آزاد کنند که هر قیمتی که بخواهند بخردن اولاً در آزادی آنچه چیزی که زیاد میکنند یعنی هر تحمیل جدیدی که میشود به مصرف کننده میشود بخود زارع و تاجر تحمیل زیادی نمیشود بلکه هیچ نمیشود و در این موضوعات دیده شده اینکه آقایان اشاره فرمودند که قیمتش دو قران یا سه قران است و سه تومان ارزش میگیرند اگر مصرف دارد قیمتش دلیل چیزی نمیشود همین توتون سیگار که سه تومان میگیرند يك وقتی يك قران می‌گرفتند و گویا سی شاهی یا دو قران میخواستند بکنند تجار آمدند و گفتند که از میان می‌رود در صورتیکه از میان نمی‌رود و زیاد هم شده و هیچطور هم نمیشود چون بر همین چیزها است که باید مالیات تحمیل کرد و الا بنان که نباید مالیات تحمیل کرد به ما کولات بگوش که نباید تحمیل کرد این است که در آزادی تجارت یعنی وقتی تجار می‌خرند و می‌فروشند همان قانون عرضه و تقاضا که طبیعت

ایجاد کرده و کاملاً طبیعی است آنرا در مآخذ صحیحش نگاه خواهد داشت اگر يك تاجر مال بازرع را ارزان می‌خرد زارع نگاه میدارد بيك تاجر که يك قران می‌خرد می‌فروشد تا بعد طبیعتش برساند ولی ممکن نیست بلکه محال است که دولت بچیزهائیکه در مملکت بفروش میرسد بین افراد مملکت يك نرخ بگذارد خصوصاً برای چیزهای تجارتي عمده شاید برای بعضی کولات شهری بلدیها يك نرخ قرار بدهند ولی برای تمام چیزهای مملکت به چیت و ماهوت و همه این چیزها که استعمال میکنند يك نرخ بگذارد که مثلاً تاجر ینبه را اینقدر بخرد حبوبات را اینقدر بخرد کتیرا را اینقدر بخرد آخرش جز صدقه بتجارت فایده ندارد تجربه شده است که بهیچوجه ممکن نیست برای خرید تجارت دولت نرخ معین کند عملی نیست یا ممکن است يك فکر دیگری باشد که خود دولت بخرد البته اگر انحصار عملی و فعلی جاری میشود و ممکن بود برای دولت این کار را بکنند می‌کرد و مردم هم خودش میداد ولی فعلاً نه صلاح دولت در این است که خودش بخرد و نه صلاح مردم برای اینکه اولاد دولت و سائلان را ندارد و سرمایه زیادی میخواهد بی حساب و ادارات جدیدی میخواهد که الان وسائلش فراهم نیست و در اینصورت این برای دولت خوب نیست وقتی دولت میخواهد داخل شود بعضی جاها را بخرد و بعضی جاها را بخرد این مداخله دولت بزحمت خود زارع تمام میشود و بانها هم فایده نمیدهد برای دولت هم فایده ندارد لهذا ما در ترتیب خرید و فروش و معامله که جاری است دخالتی نمیکنیم و تغییر اساسی در قانون نمیدهم قانون همان است که بوده است جز اینکه جریمه و جزا و مجازات قاچاق را اینها را مضبوط و مرتب کرده است و بعضی چیزهای جزئی که در نظامنامه‌ها بوده است قانونی کرده است و البته برای توتون و تنباکو و اینها يك ترتیبی داده است که هم عایدات دولت زیاد میشود و هم تحمیل زیادی بر مردم نمیشود

رئیس - آقای افشار

میرزا حسین خان افشار - قبل از اینکه بنده وارد اصل مطلب شوم بيمورد نمیدانم این نکته را عرض کنم که نقص بزرگی که از ترتیب قوانین ما بنظر میرسد عدم ثبات و تغییرات متوالیه آنهاست بنده میخواهم اینرا درست بفهمم که آیا در موقع پیشنهاد از طرف دولت و یا در موقع تصویب از طرف مجلس درست در اطراف قوانین دقت نمیشود و یا اینکه این مسئله ناشی از بی ثباتی ما است که عمر قوانین ما کوتاه بوده و هر دو سال يك مرتبه قوانین ما دچار تغییر و تبدیل میشود و البته مضرات اجتماعی و اقتصادی این قضیه بقدری روشن است که بنده نمیخواهم اینرا شرح داده و باعث تصدیع خاطر مبارك نمایندگان محترم بشوم کافی است اینرا عرض کنم که در نتیجه این مضرات نه تنها اکثریت قطع مردم ابداً از وظایف قانونی خود اطلاع ندارند بلکه مجریان قانونی مأمورین جزء دولت هستند آنها نیز از وظایف قانونی بی بهره هستند در ۱۳۰۷ يك قانونی راجع بدخانیات گذشت، که ۱۳۰۹ دو مرتبه همان قانون مورد اصلاح واقع شد امسال نیز مجدداً يك لایحه دیگری در این موضوع پیشنهاد میشود اگر درست دقت شود بطوریکه خود آقای وزیر مالیه هم فرمودند این لایحه نسبت بقانون جدید هیچ فرق اساسی ندارد هر دو باسم و به تحت عنوان انحصار يك مالیاتهای گزافی تحمیل محصول دخانیات میکند منتهی تغییری که در قانون جدید نسبت بقانون سابق مشاهده میشود همین اضافه کردن مالیات توتون چیق و تنباکو است و بنظر بنده تنها نکته که در این لایحه ضعیف بنظر میرسد همین نکته است زیرا بطوریکه خاطر مبارك نمایندگان محترم مستحضر است توتون چیق و تنباکو سال بسال در مملکت کمتر مصرف میشود و همه ساله مردم بیشتر توجه بکشیدن سیگار دارند قلیان که بکلی کشیدنش از میان رفته (اورنگ - استغفرالله) چیق هم بتدریج از مصرفش کاسته میشود بطوریکه زارعین توتون چیق بطوری که بنده اطلاع دارم برای فروش محصول خود کاملاً در زحمت

هستند تا اینکه پول مانسبت بسابق پنجاه در صد قیمت خود را کم کرده است یعنی تومانی که سابق ده قران قیمت داشت حالا تقریباً پنج قران سابق شده معذالك زارعین توتون چپق عوض اینکه سابق یوطی پنجتومان محصول خودشان را میفروختند بنده حساب کردم در قسمت غرب و آذربایجان حالا در حدود سه تومان هم نمیتوانند برسانند و حتی اغلب زارعین هم که با خود بنده صحبت کردند تصمیم گرفته اند دست از این زراعت بکشند و زراعت دیگری را پیشه خود قرار دهند بطوریکه خود بنده از زراعت و تجارت این محصول اطلاع دارم و با تجار و زارعین صحبت کرده ام اکثر این لایحه که در کمیسیون قوانین مالیه هم اصلاح شده با این گزافی مالیات بتصویب برسد کاملاً يك قسمت اعظم زراعت توتون چپق ( افسر - و تنباکو) از بین رفته و زارعین آن کاملاً بی یا خواهند شد و چون در این موقع بحران اقتصادی که در سراسر ایران حکمفرماست و مخصوصاً زارعین بدبخت و فلاحین میدانند بچه وجه محصول خودشان را بفروشند بنظر بنده اگر این لایحه بتصویب برسد بمنزله حکم اعدام يك سلسله زارعین ایران میباشد ممکن است در جواب گفته شود که این مالیات تحمیل بر زارعین نموده و بمصرف کنندگان تحمیل میشود ولی کاملاً صرف اشتباه است زیرا اولاً توتون چپق را اشخاص متمول و با بضاعت نمیکشند اشخاص بی بضاعت و رعایا صرف میکنند بطوریکه همه آقایان مستحضرنند ( افسر - صحیح است ) و هیچوقت این نوع اشخاص طاقت تحمل این مالیات را ندارند فلان رعیت بدبختی که سالیانه خیلی منافع جزئی و قلیلی عاید او میشود بهیچوجه نخواهد توانست اضافه عایداتی برای مصرف توتون خودش بپردازد و از طرف دیگر بطوریکه آقای ملک مدنی هم با آن زبان فصیح فرمودند تجار در موقع خریداری توتون مالیات را بزارعین تحمیل میکنند چون میدانند که جنس آنها خریدار زیادی ندارد و برای اینکه تجار ضرر هم نکنند مجبورند مالیات را تحمیل بر زارعین کنند و این قضیه را خود بنده در غرب آذربایجان کاملاً مشاهده کردم

توتونی که یوطی ششومان قبل از قانون انحصار دانیات فروخته میشد امروز بستومان هم کسی از زارعین خریداری نمیکند و بطوری است که اغلب زارعین نظر آنها تصمیم گرفتند که دست از این زراعت بکشند از طرف دیگر از نقطه نظر مالیات گذاری هم این طرز بنظر بنده صحیح نیست برای اینکه باید يك محصولی را پایه مالیات قرار داده که آن محصول رونقی داشته باشد و سال بسال بر مقدار مصرف آن افزوده شود در صورتیکه این محصول یعنی توتون و تنباکو يك محصولی است که سال بسال از مصرف آن کاسته شده و بسیار از آن رو به زوال و کساد است البته يك چنین جنس را مورد مالیات گزاف قرار دادن از نقطه نظر مالیات گذاری هم صحیح نیست زیرا که بودجه دولت را در روی يك اساس متزلزلی قرار میدهد و حقیقتاً هم نمیشود پیش بینی کرد که عایدات دولت از این نقطه نظر چه خواهد شد و بنده تصور میکنم اگر این مالیات را برتریبی که پیش بینی شده در این لایحه بتصویب برسد نه تنها دولت اضافه عایداتی نخواهد داشت بلکه نسبت بزمان سابق عایدات دولت کمتر خواهد شد پس از این نقطه نظر و از نقطه نظر حفظ زارعین بدبخت ایران که کاملاً محتاج بتقویت دولت هستند بنده تقاضا میکنم از آقای وزیر مالیه که این لایحه را مسترد بفرمایند و اگر احتیاج دارند با اضافه مالیات يك محصول دیگری را مورد مالیات قرار دهند که هم آن محصول پایه اش محکم تر باشد و هم از بین نرود

**مخبر** - نماینده محترم یکی از شکایاتشان این بود که قوانینی که ما وضع میکنیم ثبات و دوامی ندارد و در حال تحول است در صورتی که خوب بود تصدیق میفرمودند که یکی از محاسن کار این است که قوانینی را که وضع میکنیم و بعمل و اکتداری میکنیم اگر معایب و مفاسد و مضرتی درش دیدیم تجدید نظر کنیم و اصلاحش کنیم و اگر چنانچه ما نظر به آقا را بخواهیم تأیید کنیم بایستی همینطور بهقرا بر کردیم به بینی این حالت تقهقر ما بکجا منتهی میشود از طرف دیگر فرمودند این قانون با قانون

سابق تفاوتی ندارد مگر در مالیات پس اگر تفاوت ندارد پس این تزلزل و نریدید مورد نداشت که فرمودند میفرمایند که مالیات را زیاد کرده اند بنده گمان نمیکردم بعد از بیاناتی که آقای وزیر محترم فرمودند که احتیاجات میرم مملکتی ایجاب میکند که ما يك اضافه عایداتی را تحمیل کنیم و مطالعاتی هم که کرده اند هیچ راهی بدستشان نیامد مگر اینکه در مالیات غیر مستقیم که تحمیل بر فرد فرد مردم است و فشارهای زیادی ندارد و مخصوصاً توتون و تنباکو يك چیز هائی نیست که از لوازم حیاتی مردم باشد این را اضافه کنند و اگر چنانچه اقا عقیده دارند که مالیات ما همان قدر که بوده باشد بایستی در مقابلش هم بگوئیم هیچ اصلاحاتی لازم نداریم در حالیکه هر يك از ما از یکطرف میگوئیم نواقص معارفی داریم یکطرف ادارات عدلیه میخواهیم و همچنین سایر مؤسساتی که جدیداً پیدا شده ما برای محل انتخاب خودمان از دولت مطالبه میکنیم هزار جور مخارج فوق العاده دیگر هم هست خوب بود نماینده محترم در عین اینکه شکایت داشتند چرا مالیات زیاد شده يك محلی نشان میدادند که دولت از آن محل جبران میکند میفرمایند که قیمت توتون و تنباکو نسبت بقبل از انحصار تنزل کرده در صورتیکه همین اظهار را در کمیسیون کردند در رئیس اداره انحصار آقای موسس خان برطبق احصائیه که داشتند مدارکی که نشان میدادند دل داشتند که قیمت نسبت بسابق زیاد تر شده ( بعضی از نمایندگان - اینطور نیست اشتباه کرده اند ) این اظهاری بود که کردند و اگر چنانچه در يك نقطه نباشد ممکن است در نقاط دیگر باشد و در هر صورت بنده البته يك احصائیه جامعی ندارم که میتوانم مدلل بدارم که تنباکوی گرمسیر تنباکوی فارس نسبت بسابق و همچنین سایر توتون و تنباکو ها نسبت بقبل از قانون انحصار قیمتش علاوه شده یا کمتر شده اما دولت يك همچو احصائیه نشان میده و ادعا میکند که قیمتش علاوه شده و ثابت میکند در هر صورت البته خیلی چیزها است ترقی میکند و خیلی چیزها تنزل میکنند و این بسته بعرضه و تقاضا و احتیاج مردم است میفرمایند این لایحه سبب

میشود که زراعت توتون و تنباکو از میان برود و مردم بیشتر اعتماد بکشیدن سیگار پیدا میکنند ( افشار - اینطور نکتم ) بنظر همچو فرمودید ( افشار - همه زراعتش از میان میرود ) ( افسر - مباحثه نکنید ) در هر صورت بنده عرض میکنم بر فرض اینکه مردم سابق قلبان میکشیدند و در آتیه سیگار بکشند یا چپق میکشیدند سیگار بکشند اگر هم اینطور باشد باشد چه عیب دارد ما بیائیم و مردم بگوئیم یا يك قانونی وضع کنیم که هر کس چپق میکشد من بعد هم به چپق خودش باقی باشد!! یا قلبانش را بسیگار تبدیل کند!! لازم نیست که ما يك همچو کاری بکنیم بنده گمان میکنم که این قانون هم هیچ صدمه بزراع و تاجر وارد نمیکند ( دشتی - سر خودتان اینطور نیست ) در اینجا که راجع بقسمت تاجر خودتان هم با اظهارات بنده موافقت فرمودید که بنده عرض کردم شکایاتی که تاجر میکنند بکلی در این موارد بعمورد است بواسطه اینکه تاجر اینرا میخرد بيك قیمتی بيك قیمت اضافه تری باید بفروشد زارع هم مادامی که خریدار دارد البته زراعت میکند و تا حالا هم ندیده ایم که کسی در زراعت تنباکو و توتون و غیره پیدا شده باشد

**رئیس** - آقای روحی

**روحی** - بنده بعکس بعضی از همکارانم ( که شاید این حرفهم بر آنها گران بیاید ) با ایجاب و وضع مالیات مخالف نیستم ولی چه طرز مالیاتی همانطوری که دنیا وضع میکند نه اینطوری که ما وضع میکنیم البته ملتی که میخواهد ترقی کند مخارج دارد و مسلماً دولت که مالیات میگیرد خودش که صرف فضول عیشش نمیکند صرف جامعه و مردم میکند برای خوشبختی و سعادت که بتوانیم ما از برای دولت يك عوائدی بدهیم که مملکت ما را مثل سایر ممالک دنیا آبادان کند ولی بدبختانه این مالیاتی که ما این چند دوره وضع میکنیم همه متوجه ضعفا و فقرا و بدبختها است حالا شاید قبول نکنند بعضی ها گمان میکنند که در این مملکت آقدرها سرمایه نیست ولی هر چیز البته متناسب است از

صفحه ۱۱۰۴  
دیبا  
وقتی است  
بھی برش  
بودجه ها  
شده است  
ساعات  
ه آقایان  
هم يك  
بنده يك  
شته عرض  
ه این است  
شود. مثلا  
من بودجه  
ك متفرقه  
ن متفرقه  
بیش از  
یه از يك  
ن بنده  
ه جوابی  
صریحاً  
متفرقه  
دارم که  
خوبست  
تفرقه در  
اینست  
منضمه  
ت مواد  
داریم  
وه شود  
داخل  
که در  
نیکنم  
ار لیره

روی تناسب است. عرض کنم قسمت سرمایه‌دار مالیاتی که باید حتماً بدهند نمیدهند بجهت آنکه مراجعه بدهید به سایر جاهای دنیا از صدی پنجاه و پنج تا شاید صدی سی مردمان سرمایه‌دار در سال از اصل عایداتشان حساب میکنند و بدولت مالیات میدهند این جا را ما حساب کنیم يك قسمت مالیاتی است که بجهت قد و شکر است که رعیت میدهد عرض کنم تمام این مالیات متوجه رعیت است مالیات قد و شکر را هیچ کسانی که چیزدار هستند نمیدهند شاید در روز دوتا چائی هم نخورند شیر بخورند ولی این رعیت یا آن عمله بدبخت صبح نالشی را باسه تا چای میخورد سه‌شاهی بدولت میدهد ملاحظه بفرمائید این را وقتی که تناسب بگیرند بافان سرمایه‌دار متمول آن متمول بهیچوجه نمیدهد و این ترتیبی را که دولت در نظر گرفته است بعقیده بنده خوش آیند نیست بنده موافق رفتار هشتم و موافقم که مردم حتماً بایستی مالیات بدهند ولی باید از کسانی گرفت که عایدات زیاد دارند شما يك نفر سرمایه‌دار را پیدا کنید که چاق بکشد به بنده نشان بدهید بنده هم حاضره چاق بکشم ولی تمام رعیت‌ها و بدبخت‌ها چاق میکشند و مداریم این مالیات را به آنها تحمیل میکنیم بنده عقیده‌ام این است که البته باید دولت فکر بکند و منابع عایدات را پیدا کند و از آن مالیات بگیرد و بنده خود شخصاً حاضره که ناصدی چهل و پنج هم رأی بدهم که از عایداتش حتماً بایستی مالیات بدهد زیرا آن شخص از امنیت مملکت از تمام جهات مملکت فایده می‌برد و باید حتماً پول بدهد مالیات بدهد که مملکت آباد شود در بعضی مواقع هم که مالیاتها را تخفیف میدهند باز از رعایا گرفته می‌شود خاطره می‌آید که اواخر دوره ششم بود دولت مالیات سرانه و اغنام را تخفیف داد و بنده خواستم در آن موقع پیشنهاد بدهم بحدی جنجال کردند آقایان ذی‌علاقه که نگذاشتند کسی حرف بزند و آن قانون گذشت ولی امروز طوری شده است که تمام آقایان مالکین این مالیات را از رعایا بشان می‌گیرند پس این چه تخفیفی است که دولت داده معلوم می‌شود این تخفیفی است که دولت بمالک داده نه برعیت پس حالا که این قسم مالیاتها را وضع

می‌کنند دولت باید سهم مالک و زارع را معین کند نه این که بهم تعدی کنند حالا راجع به اصلاحاتی که در این قانون هست عرض کنم هر چیزی را که ما بیاوریم يك مالیاتی ازش بگیریم و يك فراری برای آن بگذاریم ضرر آن متوجه زارع می‌شود که عمل می‌آورد مالیات تریاک را هر چه دولت زیاد میکند تاجر-ارزاتر می‌خرد این جا هم نتیجه این می‌شود که تاجر این تباکو یا این توتون را اگر يك من يك تومان می‌خریده حالا يك من چهار قران می‌خرد و آن رعیت بکلی از بین می‌رود و نتیجه که از این کار می‌گیریم نتیجه معکوس است در همه جای دنیا يك ترتیب رزی و انحصار دخانیات هست و عمل میکنند ولی دولت حالا میگوید که ما نمی‌توانیم این انحصار را عملی کنیم بنده نمیدانم چطور دولت بانام سرمایه‌اش بانام اختیارش نمی‌تواند این انحصار را عملی کند این چه حرفی است این ترتیبی که فعلاً هست ترتیب انحصار نیست انحصار آن است که خود دولت تمام محصول را در نظر بگیرد خودش بخرد، خودش بفروشد و عمل بیاورد و تقسیم کند بین مردم بایک منفعت کم الان سیگار را به بینید چقدر گران می‌فروشند سیگار فروش‌ها تا حرف هم بزیم می‌گویند باید فلاقتد مالیات بدهیم و حال آنکه تناسب فروش او و مالیاتی که میدهد بهیچوجه قابل مقایسه نیست يك نفر سیگار فروش را ملاحظه بفرمائید از يك تاجری که شصت سال زحمت کشیده سرمایه‌اش بیشتر است آخر تاکی تاجره وقت مردم باید گران بخرند الا آن هم همینطور می‌شود این مالیاتی که وضع شد در مجلس بر میدارند توتون و تباکو را می‌بخزند يك من دو قران و يك مالیاتی هم به دولت میدهند آنوقت چند برابر آن مالیاتی که میدهند قیمت برای آن معین می‌کنند مالیات بر عایدات هم نمی‌دهند اگر آخر سال بگویند که صدی بیست صدی سی از این عایداتمان به دولت بدهید ما حرفی نداریم ولی چیزی نمی‌دهند این مطالب را باید درش بحث کنیم و يك ترتیبی برای آن مقرر شود. عرض کنم يك مسئله دیگر را که بنده میخواستم معلوم شود مسئله قیمت است این قیمت خرید را دولت باید توجه کند و هر ساله معین کند که

رعیت يك من چند به تاجر باید بفروشد اگر معین نکنیم واقعاً يك ظلمی کرده‌ایم به آن کسانی که این محصول را عمل می‌آورند من نمی‌دانم آقای وزیر مالیه که بیش از همه دلسوزی بحال جامعه دارند و من حتماً حق میدهم که بیش از همه ماها ایشان دلسوزی دارند مردم نوازی بکنند و در کمیسیون در شور دوم بهتر تریبی که هست قیمت را معلوم کنند یا سال بسال بنده هم عرضی ندارم یا برای پنجسال معین کنند یا برای چهار سال معین کنند که معلوم شود رعیت يك من چند بفروشد اگر این ترتیب را معین کنند طوری می‌شود که رعیت تکلیفش معلوم می‌شود و الا خریدار بهر قیمتی که دلش میخواهد می‌خرد و وقتی هم حرف بزنند میگویند مالیات میدهم و بعد هم آن جنس را می‌آورند و شش برابر می‌فروشند بلکه باید برای خریدار هم قیمت معین کنند که چه مقدار بفروشد و يك فراری برایش داد و يك ترتیبی معین کرد که بی‌انصافی نکنند بلکه اگر ما پابند اخلاق بودیم که کاسب ما تا آن حد قانع بود آن يك چیزی بود ولی ماشاءالله هر چه نفع بیشتر بشود باز هم قانع نیستند این هم يك عرض بنده. عرض دیگر بنده این است که در این لایحه فرقی بین تباکوی پست و تباکوی خوب گذارده نشده تباکوی یزد يك من دو قران قیمت دارد ولی تباکوی حکان فارس يك من پنج تومان شش تومان قیمت دارد تمام اینها مساوی یگدیگر مالیات بدهند موافق عدالت نیست این را باید يك ترتیبی داد و معین را در نظر گرفت که مالیات آنها باهم فرق داشته باشد روی سرقره استدعا دارم از آقایان محترم اعضا کمیسیون و هم شخص محترم آقای وزیر مالیه که يك توجهی بکنند بر این موضوع که يك قانونی از مجلس بیرون بدهیم که هم تحمیلی به مردم بدبخت نباشد و دولت هم فعلاً آن مقداری که برای مخارج مملکتی می‌خواهد تحصیل کرده باشد دست بیاورد و این نگرانیها از بعضی جهات مرتفع شود.

**وزیر مالیه** - مطالبی که آف فرمودند در مرحله اول آنها را جواب عرض کردم راجع به قیمت ممکن است دولت يك قیمتی را معین کند این يك مسئله کلی

اساسی است که ربطی به توتون ندارد اگر بنا باشد خریداران یعنی تاجر باهم تبانی داشته باشند باز قیمت تغییر میکند و این که حالا انحصار نیست و فروش است انحصار این است که میگوید من این قیمت میخرم ولی وقتیکه انحصار نبود چند نفر خریدار هستند آن یکی يك قیمتی میخرد آن یکی بیشتر میخرد آن دیگری يك چیزی زیادتر می‌دهد تا این که به قیمت حقیقیش می‌رسد اما آمدیم و تمام خریداران باهم تبانی کردند و شدند مثل وجود واحد این برای هر چیزی ممکن است برای پنبه هم ممکن است برای کتیراهم ممکن است برای حبوبات هم ممکن است برای روغن هم ممکن است پس برای هر چیزی دولت باید قیمت معین کند که تاجر از آن کمتر نخرند اصلاً تاجر را چطور می‌شود مجبور کرد که از این قیمت کمتر نخرند اصلاً تاجر ممکن است نخرند خرید و فروش در مملکت آزاد است این بسیار کار مشکلی است و بنظر بنده عملی نمی‌آید آن شرحی که آقای روحی در باب مالیات بر عایدات و اینها فرمودند بجای خودش صحیح است و خودشان مسبوق هستند که برای مالیات بر عایدات تقریباً آنقدر در ابتدا مقاومت بوده است که حالا دولت يك قدمی توانسته است بردارد ولی البته بتدریج باید درست شود و مالیات عادلانه و حقیقی و منصفانه همان است که بر عایدات مردم تعلق بگیرد ولی راهش را باید پیدا کرد که اسباب زحمت و اشکال فوق العاده برای مردم و دولت نشود در همانوقت که گفتند دفاترشان را نگاه نکنند برای این بود و حالا معلوم می‌شود که خیلی‌ها راضی هستند که دفاترشان را نگاه کنند که کمتر بدهند و آخرش به آنجا برسد که مردم از این آبروی موهوم وحشت نکنند و آبروی حقیقی پیدا کنند و آن وقت معلوم خواهد شد که عایدات حقیقی چه مقدار است که دولت زیاد و کم نگیرد و هم برای مردم عادلانه‌تر باشد این مسئله البته در جای خودش صحیح است يك چیز دیگری را که باید عرض کنم و این را در جواب آقای افشار باید گفت که این صحبت در این جا خیلی تکرار خواهد شد و گفته می‌شود و يك حسابی ندارد که

مجلس شورای اسلامی  
ی دیبلی  
شوقی است  
نی بهی برتره  
بودجه ها  
شده است  
په ساعت  
که آقایان  
ت هم يك  
بنده يك  
نشسته عرض  
ع باین است  
میشود. مثلاً  
من بودجه  
يك متفرقه  
ان متفرقه  
پیش از  
الیه از يك  
ند بنده  
جوابی  
ن صریحاً  
ن متفرقه  
ندارم که  
خوبست  
تفرقه در  
اینست  
منضمه  
ت مواد  
داریم  
وه شود  
ه داخل  
ن که در  
می‌کنم  
ارایزه

این مالیاتی که حالا هست اگر بکشای هم بر این مالیات علاوه کنند این زراعت بکلی معدوم می شود بنده میگویم که اگر دو برابر این راهم بگذاریم زراعت محو نمی شود ما ملاحظه کردیم که یک من هم کم نمی شود ما حساب این را کردیم و به مجلس آوردیم و دوازده نفر اعضاء کمیسیون هم بودند که سررشته هم داشتند و علاقمندی هم داشتند خود ایشان هم بودند و این مقدار حداقلی است که معین شده و دولت راضی به این مقدار نبود بالاخره باید یک جایی نرسد که دولت مجبور شود لایحه را پس بگیرد این مقدار قبول شد که عایدات دولت زیاد بشود و مالایطاق هم نباشد ماهر چه از این بابت لازم بود و ممکن بود قبول کردیم و موافقت حاصل کردیم و یقین داشته باشید و من ضمانت میکنم که پس از یکسال زراعت کمتر نشود و در کمیسیون گفتیم که اگر کمتر بشود دولت خودش میخورد و بعد دیدیم که یک ملاحظاتی بود که دولت نباید دخالت بکند این بود که موقوف کردیم ولی یقین داریم که هیچ کم نمی شود و مراعاتهایی که لازم است شده است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**رئیس - آقای مؤیداحمدی** با کفایت مذاکرات مخالفند. فرمائید.

**مؤیداحمدی -** بمقیده بنده این لایحه یک قسمتهای خیلی مهمی دارد و با قانون سابق هم چندان فرق ندارد الا در یک نکته هائی که بر مالیاتها علاوه شده و بواسطه ابتلائات و اطلاعات محلی که هر یک از ماها داریم عقیده بنده این است که آقایان اجازه بدهند که یک قدری بیشتر صحبت شود.

**رئیس -** آقایان اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(چند تفری برخاستند)

**رئیس -** معلوم میشود کافی نیست. آقای افسر.

**افسر -** در ضمن مذاکرات گاهی عباراتی شنیده میشود که از موضوع تقریباً خارج است ولیکن جزء موضوع می آید و یک چیزهائی نسبت داده می شود به مجلس در

طیس تنباکو داشته است سابقاً ولی پارسال صد و پنجاه خروار داشته است ارداق هر چه که داشته است در سالهای سابق ولی پارسال و پیرارسال یعنی این دوسه ساله بقدر ربع و خمس که پیش داشته کمتر شده است بنده از گیلان اطلاع ندارم نمیدانم زیاد شده است یا کم تنباکوی بروجرد و سمت غرب هم همینطور و بعضی از آقایان می فرمایند که به یک من یک قران رسیده است الا آن تمام تنباکوهائی که در بعضی جاهای خراسان است مخصوصاً در قانیات که بنده اطلاع دارم بهترین تنباکوی قانیات تنباکوی شارخس است که خرواری پانزده تومان است بهترین تنباکوی طیس خرواری بیست تومان است خاف است خرواری پانزده تومان است سبزرار حمائی است خرواری ده تومان است ارداق خرواری هشت تومان است بیارجمند خرواری ده تومان ترشیز و تربت تمام این جاها ده و دوازده و پانزده تومان است ملاحظه فرمائید تریاک را که در نظر گرفته بودیم برای برانداختنش و در صدد مالیات نمودیم تحدید اسمش را گذارده بودند روز اول که این کار برای آن بود که کم بشود و مالیات هم زیاد بدهد الا آن قدر است مالیاتش بیست من سی و دو تومان مالیات میدهد و یک من هیجده تومان قیمت آن است که بالاخره مثلاً صدی صدی چهل مالیات می دهد بی صدی صدی شصت اما درباره تنباکو نوشته اند از ۱۳۱۱ یک من پنجقران مالیات بدهد این تنباکو که خرواری هشت تومان است خرواری ده تومان است یک من پنجقران که بدهد خرواری پنجاه تومان، می شود این صدی پانصد هیچ سم قاتلی را تا بحال چنین مالیاتی برش نگذاشته اند ما عرض نمی کنیم که مالیات نگذارید البته دولت برای ترقیات مملکت مالیات وضع بکند ما از همه زودتر قبول میکنیم در کلیاتش مخالفت نمی کنیم مگر اصلاحاتی در جزئیاتش بکنیم بطوری که تجربه داریم اصلاح شود اما این قیمتی که باید تنباکو مالیات بدهد هیچ متناسب نیست اگر از تنباکو باید مالیات گرفته شود لاقلاً متناسب گرفته شود الا آن چهار، پنج دوره است که این مالیات آمده از ۱۳۳۳ تا بحال قانون دخانیات چهار، پنج مرتبه تغییر

یافته و هیچکدام متناسب مالیات گرفته نشده است و یک اشکالی بر اشکالات سابق افزوده شده است و ما میخواهیم لاقلاً یک اشکالی حالا بر تنباکو بیفزاییم و الا میدانیم که این قانون همان قانون سابق است ملاحظه کنید که این تنباکو و تونونی که از خارج وارد می شود صدی پنجاه مالیات میدهد بسیار خوب ما هم حسن استقبال میکنیم از این صدی پنجاه ولی ملاحظه فرمائید برای تنباکو چه مقدار مالیات معین شده است این جا هم بیائید حد وسط قیمت پنجسال اخیر را معین کنید و صدی پنجاه هم برای این مالیات معین شود و علاوه یک تنباکویی که یک من یک تومان است همین مالیات را میدهد و آن تنباکویی که خرواری ده تومان است همین یک من پنجقران را میدهد و باید یک تناسبی برای این قائل شویم و عجب این است که یک فرقی بین تنباکو و توتون هست برای توتون باز یک درجائی قائل شده اند که توتون کجا و کجا چه جور ولی به تنباکو که رسیده اند همه را متحدالشکل کرده اند و یک لباس مالیاتی برش پوشانده اند بالاخره تنباکو که تقصیر ندارد و برادر توتون چق و سیگار است آن راهم یک نستی برای مالیاتش معین کنند بنده نمیدانم تقصیر تنباکو چه بوده اگر از قدما بوده که مشغول متروک شدنش هستند و بنده نمیدانم که علت این چیست و باید یک ترتیبی فرمائید که متناسب باشد صدی پنجاه کم است صدی شصت باشد بنده حرفی ندارم ولی بالاخره یک تناسبی باید بین قیمت تنباکو و مالیاتش باشد عقیده بنده این است که اگر دقت بکنند آقای وزیر مالیه و این را اصلاحاتی بکنند و یک مبنای متناسب قائل شوند ما هم موافق هستیم و اشکالی هم نداریم ولی ما می بینیم که یک تناسبی قائل نشده اند و اینهم که نوشته اند از ۱۳۱۱ به ۱۳۱۱ که الا آن چهل روز بیشتر باقی نمانده این چهل روز هم تا وقتی که قانزون تصویب بشود و تلکرافاتش از مرکز برود تمام می شود و برای ۳۱۱ یک من پنجقران مالیات صدی پانصد باید بدهند و ما این را خیلی غیر متناسب می دانیم و تقاضا داریم که یک تناسبی قائل شوید چون مقصودشان

بر انداختن تنباکو که نیست عرض کردم الان جاهائی که کم شده است حاضر است جاهائی که ایشان اطلاع دارند زیاد شده است بفرمایند در هر حال کم شده است همین صدی پنجاه که عرض کردم بنده حرفی ندارم بیشتر هم بدهند ولی بایستی يك نواخت و از روی يك تناسبی بدهند و همین ارداد که عرض کردم پارسال هر چه تحقیق کردیم که آیا می شود چیز دیگری در آن جا زراعت کرد معلوم شد ممکن نیست چون سنگزار و ریگزار است آخر اینها از بین می روند و تصدیق بفرمائید که همانطور که تمام ابتدای این مملکت و تمام افراد این مملکت از تمام مؤسسات این مملکت بطور تساوی بهره مند می شوند مالیات راهم باید يك تناسب بدهند اگر يك کسی تنباکو کاشت تقصیری کرده اگر توتون کاشت تقصیر نکرده بنده دلیلی برای این نمی دانم.

**وزیر مالیه** - بنده اول عرض کردم اگر توجه فرموده بودید عرض کرده که یکی از مفاسد عمده این قانون این بود که طبقه بندی داشت و ما خواستیم طبقه بندی از میان برود تنباکو که اصلاً طبقه بندی هم نداشت (افسر - ما مخالف بودیم) و تا حالا هم جاری بود و هیچوقت هم مادر آن قسمت هیچ اشکالی ننشیدیم اگر چنانچه مصرف تنباکو و بقول معروف تنباکوی وسط در بعضی ولایات کم شده این بواسطه این است که خود تنباکو و خود قلیان کشی در حال انحطاط و زوال است خصوصاً تنباکوهای بد آنها هم که تنباکو میکشند اشخاص محترم غالباً معروف است تنباکوی شیراز و حکان میکشند این تنباکوها را کمتر میکشند تنباکو و توتون شاید هر سال يك مقداری مصرفش کمتر می شود و سیگار زیادتر می شود طبیعت این کار را کرده است تنباکویی هم که بخارجه می رود البته بیشتر تنباکوی اسفهان است تنباکوی پست شاهرود و طبس بخارجه نمی رود اصل خود این کار يك اشکالاتی داشت اصل خود طبقه بندی يك اشکالاتی برای اداره انحصار فراهم کرده بود فرض کنید توتون يك جائی يك مالیاتی داشت و توتون جای دیگر مالیات دیگری داشت مثلاً توتون سقز را می بردند به سنندج و از آنجا خارج می کردند این کار اشکال زیادی تولید کرده بود و

برای این کار در کمیسیون مفصلاً صحبت کردیم ولی بالاخره برای این که مردم به آن ترتیب طبقه بندی عادت کرده اند و حالا شاید برایشان سخت باشد آقایان در این باب خیلی اصرار فرمودند و اهتمام داشتند که از میان نرود بنده هم بالاخره قبول کردم حالا بیاوریم دوباره برای تنباکو طبقه بندی کنیم خیلی اسباب اشکال می شود خودتان میفرمائید شاهرود با طبس یا جاهای دیگر که نزدیک طبس است (مال شاهرود را عرض نمیکنم) جاهائی که نزدیک هم هستند فرق قیمت دارند پس همین اشکالات پیش می آید این را که فرمودید که فلان چیز ارزشش با مالیاتش باید تناسب داشته باشد همین مقدار است که تا حالا جاری بوده و چیز زیادی هم ما اضافه نکرده ایم ولی چون در آخرش میفرمایند که ما قبول داریم و حرفی نداریم که مالیات دولت بهمین ترتیب وصول شود اگر در این باب ما متفق بشویم که مالیات دولت بهمین ترتیب وصول شود و اشکال زیادی برای اداره انحصار نباشد بنده حرفی ندارم ممکن است پیشنهاد بفرمائید در کمیسیون دقت کنیم خودتان هم تشریف بیاورید ولی حالا که ما میخواهیم يك عیب را رفع کنیم طوری نشود که يك اشکال دیگری بما تحمیل شود.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی.

**مؤید احمدی** - بنده تصور میکنم بیشتر اشکالاتی که در کلیه قوانین پیدا می شود در يك موضوع است و آن این است که ما يك اسمی میگذاریم برای قانون و يك قصدی هم برای اجرای آن داریم اما در حین عمل آن قصد را اجرا نمیکنیم مثلاً قانون انحصار دخانیات اسمش قانون انحصار است منحصر است بدولت لکن در همین قانون اجازه میدهیم به دولت که عجالتاً انحصار نیست چون این کار پیش می آید این اشکالات درست می شود حالا بنده نمی دانم وسائش را دارند یا نه اگر دولت می توانست مثل تمام ممالک دنیا يك اداره رژی تشکیل بدهد و دخانیات را انحصار بدهد بخودش این اشکالات مرتفع می شد (جمشیدی - صحیح است) لکن این کار را نمیکنند اسمش را می گذارند قانون

انحصار دخانیات ولی در ماده سوم می نویسند مادام که این انحصار اجرا نشده این شکل باشد وقتی این طور شد این اشکالات تولید میشود. این يك موضوع اساسی است که اگر دولت حقیقتاً بتواند مطابق قانون انحصار رفتار کند هیچ اشکالی ندارد هر طور دلش میخواهد رفتار کند مثلاً ملاحظه بفرمائید قانون انحصار قند و شکر را که دولت خودش اجرا کرده است هیچکس حرف نمی زند برای این که به لوازیه انحصار عمل میشود ولی ما اینجا اسمش را میگذاریم انحصار ولی عملی نمی شود. عرض کنم این يك موضوع اساسی بود که بنده میخواستم تذکر بدهم که این اشکالات از کجا شروع می شود مثلاً ملاحظه بفرمائید در ماده اول این قانون تذکر داده شد که تمام ماشینها را دولت بخرد و تا حالا اجازه میداد ماشینها باشد تجاری آمده اند سرمایه های خودشان را فرستاده اند يك کارخانجاتی آورده اند این جا تا حال هم دولت به آنها اجازه می داد کار بکنند لکن این قانون آمده است اینها را از این کار ممنوع کرده و اجازه داده می شود دولت بخرد خرید آنها اجباری است که بکلی سلب سلطت کرده است از مالکین که خود اداره انحصار مقوم بفرستد و بخرد اگر حاضر نشد اگر نخواست بفرود شد ممکن است بیکار بیندازد و نخواهد بفرود شد میخواهد مهرش کند و بیندازد آن جا چه اجباری دارد که بفرودد خوب این را بگذاریم کنار. يك نکته را که آقای روحی تذکر دادند آخر هم فرمودند که ما مخالف با وضع مالیات نیستیم و این جور تلتی نشود که ما مخالف وضع مالیات هستیم ما که از دولت تقاضا داریم معارف را وسعت بدهد بت اسناد را در همه جا وسعت بدهد دایره قضائی را وسعت بدهد صحیحه مملکت را در همه جا وسعت بدهد خوب البته بایستی عایداتی هم برای دولت وضع کنیم ولی البته باید آن عایدات متناسب باشد با آن جنسی که ارزش ما میخواهیم مالیات بگیریم ولی چون محتاج پول هستیم بایتم مالیات وضع کنیم برای يك چیزی که آن ضررش به عقیده بنده بیشتر است چطور مثلاً؟ در کرمان مسا دو سه محل داریم که تنباکو دارد یکی

راور است که سر راه خراسان است و تنباکویش حروراری بیست تومان قیمت دارد يك جایش هم اندوهجرد است که يك بلوکی است که تنباکویش يك من سی شاهی قیمت دارد می فرمائید که زراعت کم نمی شود خوب خودتاس تصور بفرمائید يك تنباکویی که سی شاهی قیمتش باشد يك من پنجقران ارزش مالیات بگیرند این چطور کم نمیشود؟ میفرمائید تنباکو دارد موقوف میشود و اعیان و اشراف هم که میکشند تنباکوی حکان میکشند بلی طهران را ملاحظه بفرمائید همینطور است ولی آن دهانی را در نظر بگیرید که عادت کرده به تنباکو يك من سی شاهی که حالا باید هفت قران بکشد وقتی که هفت قران شد نمیخرد و وقتی نخريد زراعت نمیکنند میفرمائید چیز دیگر زراعت بکنند تشریف نبرده اید آن جا به بینید غیر از این تنباکو چیز دیگری نمیشود زراعت کرد در آن جا ها این زراعتش است اگر چیز دیگری داشت که جانشین آن بکنند میکرد ولی چیز دیگر جانشین این نمیشود يك آبی دارد يك هوایی دارد که غیر از این تنباکو چیز دیگر عایدش نمیشود حالا که مالیات را سنگین کردید دیگر نمیکارد و وقتی نکاشت گرسنه میماند آنها سربار دولت ضرر دولت است فرق نمیکند هم مالیاتش به دولت ضرر وارد میسازد و قیمت تنباکو هم به زارع و کاسب ضرر میشود فقط اشکالی که آقای وزیر مالیه فرمودند و بنده هم تصدیق میکنم که آن اشکال وارد است آن مسئله طبقه بندی است ولی يك راه عملی دارد بنده یاد دارم قانون دوره هفتم هم که میگذاشت باز بنده مخالفت کردم و بنده عرایضی کردم وزیر مالیه وقت در جواب بنده دفاع کردند که چون انواع تنباکو زیاد است و هر شهری يك قسم تنباکو دارد ما نمیتوانیم برای هر کدام يك قانونی وضع کنیم و کار مشکلر میشود ولی يك راه عملی دارد بعقیده بنده دولت روی تنباکوهای گران قیمت يك مالیاتی وضع کرد و آن بنده مخالف با آنها نیستم لکن باید يك رعایتی به این فقراتی که اسم برده شد بکنند که تنباکوهائی که خرواری از چهل تومان پنجاه تومان کمتر است قیمتش آنرا معاف کنند و تنباکوهائی که از

پنججاه تومان بالاتر قیمت دارد مطابق این قانون مالیات بدهند و الا طبقه بندی را بنده تصدیق میکنم مشکل است چون انواع تنباکو در دهات مختلفه مختلف است و هر جا يك قسم تنباکو دارد و اگر بخواهیم برای هر جائی يك قسم مالیات وضع کنیم ممکن نیست و عملی نیست همچنانکه در توتون دچار اشکال شده اند و بنده هم اطلاع دارم و اسباب زحمت رعایا میشود ولی معین کنید که تنباکو هائی که تا بکمن چهار قران قیمتش است معاف کنید ممکن است با حصاصیه رجوع کنید تنباکوهای ارزان قیمت خیلی کم است و ضرر چندان به دولت وارد نمی آید و از طرفی آتهائی که گران قیمت است این مالیات را بدهند و واقعاً يك چیز دیگر هم هست درست است همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند باید از اشیاء نفیسی مالیات گرفت و نمیشود صرف نظر کرد از آن طرف اینرا ملاحظه فرمائید تنباکوی حکان که يك من ده تومان قیمت دارد هست تنباکوی يك من در قران را مالیات ببندیم يك چیز درستی در نمی آید (کازرونی - تنباکوی حکان يك من پنج تومان است) پنج تومان قیمتش باشد تنباکوی شیراز خوب بکمن سه تومان چهار تومان قیمتش است و هفت قران مالیات میدهد و تنباکوی بد يك من سه قران است اینها مطابق هم مالیات بدهند این مطابق انصاف و عدالت نیست. به عقیده بنده باید تنباکوی ارزان قیمت را معاف کرد و تنباکوی دیگر متناسب يك مالیاتی افزود.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - نماینده محترم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که اگر دولت به معنی اخص انحصار رفتار میکرد برای مردم بهتر بود. بنده میخواهم نقطه نظر ایشان را بفهمم که چه مقصودی داشتند یعنی اگر دولت به معنای حقیقی انحصار عمل میکرد تحمیل بر زارع کمتر میشد؟ یا بر مصرف کننده تحمیل میشد؟ بالاخره در ماده چهار دولت معین کرده است که از برای نرخ توتون و تنباکو يك قیمتی را معین کند و این قیمت را تاجر میخورد برای اینکه نتواند بزراع

اجحاف کند خصوصاً مادر کمیسیون در این باب يك جلسه مذاکره کردیم که نرخ را يك طوری معین کنند که نسبت بزراع اجحاف نشود وزیر مالیه هم موافقت کردند که نرخ را هر سال معین کنند مطابق وضع حاصل و نرخ بازار بطوری که هیچ وجه خسارتی بزراع وارد نیاید و بعد هم مالیات را نسبت بان وضع کنند. دولت امروزه بواسطه يك محظوراتی نمی تواند خودش عمل کند ولی تاجر از روی آن ترخی که دولت معین میکند میخورد و بزراع هم بهیچ وجه من الوجوه تحمیلی وارد نمیشود. اگر نظر این است که گرانی مالیات بر زراع است آن طوری که ما در کمیسیون مذاکره کردیم نسبت بزراع هیچ تحمیلی نیست و اگر چیزی هم باشد به مصرف کننده است این که فرمودند همان طوری که انحصار در قندو شکر است در این جا هم باشد بنده گمان میکنم در قندو شکر انحصار نیست در سرحد يك چیزی دولت میگیرد و ازاد میگذارد هر يك از تاجر هر قدر قندو شکر میل دارد میخرد و میآورد. در اینجا به معنی حقیقی انحصار نیست. تمام این داستانها بر این بود که نرخ معین شود وقتی که دولت نرخ را معین کرد دیگر برای زارع تحمیلی نیست. فرض فرمائید در قیمتی که امسال معین کرده اند برای حاصل توتون یا تنباکو و اعلان کرده اند بفروشد یا تاجر میخورد که هیچ و اگر تاجر نخرد گر چه بواسطه صحبت هائی که آقای وزیر مالیه کردند ما نخواستیم در لایحه رسماً ذکر شود ولی طلبته اگر يك توتونی ماند در يك انباری و تاجر نخرد خود دولت بطوریکه آقای وزیر مالیه شفاهاً در کمیسیون فرمودند خریداری خواهد کرد. پس از این حیث هم نسبت بزراع تحمیلی نیست. اما راجع به تنباکو فرمودند تنباکو هائی که کم قیمت است یا تنباکو هائی که قیمتش زیاد تر است باید فرق داشته باشد و مالیات را يك جور قرار دادن تحمیل است گر چه صورت ظاهر همین است که میفرمائید ولی تنباکو هائی که گران قیمت است این قدر نیست شاید خیلی کم است آتهائی که مال اصفهان است غالباً مصرف خارجی دارد. مال شیراز هم از پنجاه خروار

تجاوز نمیکند تمام چیزهائی که هست در مملکت تنباکوهای ارزان قیمت است و اینکه میفرمائید مالیاتش سی شاهی بوده حالا میشود هفت قران این طور هم نیست اگر بقانون ملاحظه فرمائید مالیاتش سه قران بوده که حالا میشود پنج قران و سنوات بعد میشود هفت قران نه این که يك مرتبه از سی شاهی به هفت قران ترقی کند بطوری که فرمودید چون این طور که فرمودید در نظر جلوه میگرد و البته خیلی اجحاف بود که از سی شاهی يك مرتبه مالیات را بیاورند به هفت قران. ولی در قانون قبل (۳۰۷) سه قران بوده و درین جا از سه قران به پنج قران ترقی کرده و در سنوات بعد میرسد به هفت قران. در این صورت بعقیده بنده همان طوری که آقای وزیر مالیه فرمودند طبقه بندی تنباکو برای هر محلی (چون در محل هم تنباکوی بست قیمتش با تنباکوی نسبتاً خوب تفاوت دارد) اگر بنا شود که طبقه بندی برای تنباکو قائل شویم باید در هر محلی که زراعت تنباکو دارد چندین طبقه قائل بشویم و برای هر طبقه هم يك مالیات مخصوص قائل شویم و تصدیق میفرمائید که این طور طبقه بندی کردن برای تنباکو با اختلاف قیمتی که دارد خیلی اسباب اشکال میشود و برای دولت هم مشکل است به عقیده بنده این شور اول این قانون است و آقایان هر نظریاتی داشته باشند کمیسیون و خود آقای وزیر مالیه با نظریاتی که صحیح و نسبت بمردم مفید باشد موافقت خواهند کرد البته تشریف بیاورند به کمیسیون و در اینجا حاضر شوند و اظهار بفرمایند و در کمیسیون حل شود صحبت شود. (مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بپورود در مواد قایمانیکه موافقت دارند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - حق وارد و صادر کردن و خرید و فروش و تهیه و نگاهداری حمل و نقل اجناس دخانیه و انواع کاغذ سیگار و متفرعات آن در کلیه مملکت منحصر بدولت است و این انحصار موسوم بانحصار دولتی دخانیات خواهد بود

و همچنین حق نگاهداری و بکار انداختن ادوات توتون بری و ماشین های کاغذبری و صحافی کاغذسیگار و کیلوز ریزی و ماشین های سیگار پیچی و متفرعات آن مختص بموسسه انحصار است.

موسسه انحصار حق خواهد داشت کلیه ادوات و ماشین های مذکور در فوق را که اجازه نگاهداری و بکار انداختن آنها را بکسی نداده و همچنین ادوات و ماشین هائی را که اجازه نگاهداری و بکار انداختن داده و بعد سلب نموده از صاحبان آنها گرفته و قیمت آنها را بپردازد.

خریداری ماشین و ادوات مذکوره بر طبق تقویم دو نفر مقوم از طرف موسسه انحصار و صاحب مال خواهد بود و در صورتیکه صاحب مال حاضر بقبول تقویمی که شده است نیا شد موسسه انحصار مجاز خواهد بود قیمت ماشین و ادوات مذکوره را معادل مبلغی که صاحب مال در اظهار نامه کمرکی تعیین نموده باضافه صدی ده از بابت منافع وارد کنندنده با منظور داشتن تنزل قیمتی که در نتیجه بکار انداختن آنها تا موقع خریداری حاصل شده بصاحبان آنها پرداخته و ادهات و ماشین های مزبوره را ضبط نماید.

رئیس - آقای رهنما.

رهنما - آقای وزیر مالیه نمیدانم کجا تشریف بردند کاش این جا تشریف داشتند و مذاکرات را می شنیدند (یکی از نمایندگان - بیرون جلسه رفتند الان مراجعت میکنند) مسئله قانون انحصار دخانیات اساساً و اصولاً چه از نقطه نظر جنبه مالیاتش و چه از نقطه نظر این که از این راه دولت می خواهد يك چیزی بر اضافه عایدات خودش بیفزاید هیچ ضرر و زیانی بمردم از نقطه نظری که گفته شد وارد نمیشود. ولی اساساً طرز عمل این مسئله مورد بحث است. این جا سه نفر از نمایندگان هر يك نظری اظهار کردند نظریات تقریباً خیلی دور از هم بوده یکی از نمایندگان فرمودند هر چه مالیات وضع شود بشود. این نظری است که ممکن است



يك نماينده يا هر كسى داشته باشد كه اصولاً با ماليات موافق باشد از نقطه نظر ازدیاد مخارج دولت و ترقیاتی كه مملكت ميخواهد بکند (افسر صحیح است) اين نظر بنده است اين يك عقیده است. اين عقیده در مقابل اين است كه خير. درست است كه هر چه ماليات زيادتر گرفته شود دست دولت را باز ميكند براي پاره اقدامات ولي چون اين ماليات از يك منبعی گرفته ميشود كه از آن منبع جمعی بايد زندگي كنند و سرشار شوند بنا بر اين مضر است. اين هم عقیده مقابل. بكي از نمايندگان لايحه خواندند با اظهار كردند (گويای آقای افشار بودند) فرودند ضعفا و زارعين از بين ميروند اين قسمت را هم آقای وزير ماليه جواب دادند كه از بين نميروند. حقيقتاً هم همین طور است مسئله توتون سيگار چيزهائی بود كه مربوط به عدت باشد اين يك چيزی نيست كه سهولت با يك قانون و يا سه قران ماليات از بين برود. اين ممكن نيست شايد وزير ماليه ايران حاضر باشد فرضاً به مملكت خودشان و وطن خودشان اين كار را بكنند ولي دنيا كه اين كار را نميكنند شما هر وقت سيگارتان را خوب كرديد (همان سيگاری كه زارع تهيه ميكند) جاي ديگر ميخرند مثل اينكه در همین ايران سيگار مصر اينجا ميآيد و مصرف ميشود حالا بايد عرض كنم خودم چه نظري دارم! گفتند اين و نه آن پس خودت چه نظري داری (يك حكايت است كه مناسب نيست بنده در اینجا عرض كنم) بنده در طرز اين عمل عقیده اساسی دارم. معتقدم كه بايستی ماليات باشد. بهترين مالياتها هم همین است براي اينكه هر جا را بگيري نفع است. اگر بکشند نفع است. اگر نكشند هم نفع است. براي اينكه اين ماليات بر لونس است و بر يك چيز زائدي گذاشته شده بر عادت بدی گذاشته شده حالا اين عادت بد را ممكن است يك اشراف داشته باشد ممكن است بكنفر رنجبر داشته باشد خوب اگر رنجبر يك عادت بيمعنی داشته باشد كه چيق ميکشد و

ساير ممالك هم سعی ميکنند كه حتى المقدور كارها را از دست مردم نگيرند و کاری ميکنند كه مردم سرمايه شان بكار بيفتند. انرژی شان بكار بيفتند عملشان بكار بيفتند. توانائيشان بكار بيفتند فكر شركت باشند از شركت استفاده ببرند نتیجه شركت را كه دیدند همه تشويق ميشوند ديگران هم تشويق ميشوند و بالاخره مملكت آباد ميشود. مثلاً در هفت هشت سال قبل بنده ياد ميآيد در تمام خيابانهای يکی از شهرهای اروپا (پاریس بود بله پاریس بود) عكس يك نفر را دیدم كه ميخواست با تلفن صحبت كند اتفاقاً عكس شخص خیلی چاق و تنومندی را كشيده بودند اينجا آقايان و كلاء آمد خيلي چاقی نداريم كه بريخورم كه آن يا استاده بود و عرق ميریخت و هي ميگفت هالو وزيرش نوشته بودند كه اگر ميخواهيد از اين حالت بدبختي خلاص شويد تلفن را از دست دولت بگيريد. اين طور پروپاگاندا ميگردند براي اينكه ميخواستند تلفن پاریس دست دولت نباشد و حتى المقدور مؤسسات دست دولت نباشد و دست خود مردم باشد تا خود مردم مستقلاً علاقمند باشند حالا اينم سراف اينكار كه موضوع انحصار باشد. البته اگر وزارت ماليه بيايد و بيك شركتی واگذار كند و اين شركت تشويق بکند و اين درم بليون را كه ميخواهد اينجا مصرف كند اين را با دو ميليون تومان ديگر كه صرف چيزها ديگر ميکنند صرف لوازه كشی طهران بکند و اوله كشی طهران را دست بکشد و اين را هم بدهد يك شركت ديگری و دو بگوييد تو درست كن خيلي بهتر است امروز كارهای يك بيشرفت مخصوصی کرده. خوب ما امروز از نقطه نظر صحبه يك زحمتی ميكشيم و يك سرمايه در دست ميگيريم ولي از طرف ديگر از حيث آب درختان مردم درندگانی مردم همه متزلزل است. همه مريض همه ناخوش و سيئه هم ندارند و رسايل صحتی هم بجائی نميرسد و اين براي اين است كه ما اساس كار را محكم نكرده ايم. در اينجا ما ديده بيميم كه چكار ميكنيم. دولت خودش با اين دو ميليون مستقيماً انحصاری تشكيل

ما است در ایران. ما بانک درست میکنیم. این بانک ملی یا ناسینال چیست؟ ماسعی میکنیم خودش مدیرش اداره اش میزش بیک شکل فلاکت بار باشد. ولی آنه سعی میکنند که بانک سیصد ملیون فرانک سرمایه اش است بگوید چهار صد ملیون فرانک (دیو) داره. در برو شود بانک شاهنشاهی می نویسد چهارده ملیون ایره استرلینگ من سرمایه دارم پس بین یک مسائلی است که ما باید در نظر بگیریم (وثوق - این لایحه دخایات است) در این جا آقای وثوق زیر زبانی فر فری کردند.

**وثوق** - عرض کرده این لایحه دخایات است در بین قسمتها فرستاد.

**رهنما** - قریبند در ماده اول می تواند در کلیت بانک لایحه صحبت کنیم از کیفیت بانک لایحه مقصود بن است که به نظریات هم دیگر آشنا بودیم (وثوق - صحیح است بنظریات جنبه مالی ایردی ندارد) و لایحه که موافق هستیم مراقبت بکنند که انحصار باشد دولت باشد یا بدست اشخاص. مقصود این است که این قبیل قوانین را باید تدریجی تدوین کرد که با زندگی مردم تماس پیدا نکند و کاری بزندگی خصوصی مردم نداشته باشد. بلکه روز بروز مرده را مقید کنیم و تحت فشار بیاوریم حالا از آقای وزیر مالیه توضیحی در این باب بدهند و شما هم اگر دلالتی دارید بفرمائید.

**وزیر مالیه** (آقای نقی زاده) - وقتی که بانک قانونی در مجلس وضع میشود البته مطالب زیادی مستقیم و غیر مستقیم بمیان میاید که بحث میبرد. و مطالب خواه مستقیم و مربوط باشد خواه غیر مستقیم بحثش عیبی ندارد. مسائلی اصولی بحث میشود که اگر برای این مطلب فائده اش کم باشد برای سایر مطالب فواید گلی دارد. از این لحاظ است که در این بحث اصولی که آقای رهنما در این جا طرح کردند قبل از اینکه جواب عرض کنم ابتدا بیک کلمه عرض میکنم که بنده صد در صد با ایشان موافقم البته هر نوع تشویق و تقویتی که ممکن است باید کرد. دست را گرفتن و بلند کردن سرمایه

به حالا این عرض را نمیکند که یک چیزی برخلاف عقیده ملی باشد زیرا الحمد لله شروع شده و چیز های خوب هم عمل میاورند - ولی خیال میکنند از هر حاصلی که بیرون میبرد از هر جائیش که بتواند بزند از گونیش اگر بتواند میزند با قدری خاک تویش بریزد یا قدری چیز قلب لایش بگذارد از همه چیزش بخواهد بزند حتی در آن دکانش هم خیال ندارد صندلی بگذارد و میخواهد آنرا هم منقعت کند. کار مرتب مدرن این ها نیست. پس بطور این کار ها باید بشود دولت بالاخره چساره نداشت جز اینکه بیاید در بعضی جاها شریک بشود یا خودش برآورد شود. در آن چون مشورت بین مردم مملکت است (در هر حال هم باید باشد) معتقد است که در طرق ترتیب اصول مالی و مطبق ترتیب و سابق در این چیزها عمل بیاید و درست کند و بعد دست خود مردم و هر کس بخواهد که شریک شود اگر بخواهد حقیقتا بخواهد بخورد دولت. کمال میل حاضر است عرض شده نتیجه اش باید بیهودی ارضاع باشد بدهد و بخواهم بر دوگانگی برسد ترتیب تجارتی خودشان بکنند زیرا الحمد لله ترتیب هم دارد خوب میشود ولی چون در هر آن مملکت وقتیکه حرفی آفتند میشود همه جا برسد نتیجه عرض بنده این میشود که آن خیال قدیم و ترتیب قدیم و فکر قدیمی که مرده خیال میکردند از هر چیزی باید ببرد حتی از اینش حتی از دکانش که در یک چاله چوله در یک کوزه بشنند این باید از میان برود. و یک کاری باید بکند که نتیجه اش این شود که خشکه بار قدیمی منی دو تومان در خرجه بفروش میرسد و خشکه باری که الان بترتیب جدید عمل میاورند منی ۶ تومان هفت تومان بفروش میرسد برای اینکه یا کت نمیز است. شما وقتی سکه پوست بره تان را بخارجه میفرستید اگر مطابق اصول صحی عمل نیورده باشید در گمرک خانه آنجا آتش میزنند. اگر کتیرا را قاطی کند و خیلی خوب و پاکیزه نباشد وقتیکه دست رویش بگذارند کثافت و چرک و اینها ازش بلند شود وقتیکه بدفعه خریدند

دیگر نمیخرند اگر قالی را یک جایش با نخ یک جایش با پشم و اینها باشد فقط رویش را آرایش بدهند و بفرستند این باعث زوال و نکس امتعه ملی میشود و این خیانتی است به مملکت (صحیح است) از این جهت الان شروع شده وزارت اقتصاد ملی تاسیس کرده آید. سه قسمت کرده آید اداره صناعت و فلاح و تجارت درست کرده آید علاوه بر این دولت از پول خودش (که بقول ایشان نباید بکند و دست گذارده) کارخانه قند سازی درست کرده و نخ ریسی و کارخانه فلان درست شده وقتیکه مردم بدوق آمدند و با هم شرکت کردند و دارند هم میکنند

**بوشهری** - نمیگذاشتند بکنند آقای **وزیر مالیه** - آنوقت مال خوب عمل میاورند و ثنبا این مال خوب را با مال بد قاطی نمیکنند و وزیر و سرمایه ملی ترقی میکند و دولت هیچ قصدی ندارد حالا در واقع عذر و بهانه هم برای این کار نیست همین مسئله توتون را که فرمودید یا چیزهای دیگر حالا انحصار تجارت داریم و توتون مصر ممکن است اینجا آورده شود و ما سایر ممالک اینجا فروخته شود ولی وقتیکه ما سبک کار خوب داریم (این است که باید سبک کار خوب عمل آورد) می توانیم به مشتریان خودشان بفروشیم بدیگران هم بفروشند پس نه تنها برای سرمایه ملی و شرکت داخلی هیچ مخالفتی نداریم حتی بطوریکه در روز نامه ها نوشته اند و آقایان مسبقند ما مضایقه از این هم نداشته ایم که با یک سرمایه کمپانی خارجی داخل مذاکره شویم و شدیم و حتی اکثر شرائطش با ما مساعد باشد حاضر میشدیم اسباب و آلات جدید بیاورند و ماشین آلات بیاورند و بد ترتیب جدید درست کنند ولی بواسطه این که شرائطشان موافق مقاصد ما نبود سر تکرفت والا ما هیچ حرفی نداشته ایم و موافقیم عملی شود. ما در هر کار راه وسط برویم بعضی آقایان می فرمایند اصلا هیچ شرکت درست نشود بعضی ها میگویند دولت اصلا دخالت نداشته باشد یکی میگوید همه را دولت باید اداره کند یکی هم راه متوسط است که الان در واقع دولت راجع بانحصار فعلی عمل

میکند. البته اصولاً این يك انحصاری است ولی اگر يك شرکته درست شود و سرمایه برآه بیفتد که این را بطرز خوبی عمل بیآورد دولت حاضر است مالیاتش را بگیرد و بهیچوجه دیگر کاری نداشته باشد این بود که میخواستیم عرض کنیم این ماده اول که نوشته ( انحصاری ) است تکرار بهمان عبارت ماده سابق است و انحصار جاری است و این دو ملیون پول که خواسته میشود برای موقعی است که اگر بخرد ماشین ها را بخرد با توتون را بخرد و بفروشد چون در جاهائی هم هست که عمل آوردن توتون هم مفید است چون همان طور که بعضی از آقایان شکایت داشتند و میکنند اگر تاجر بداند که غیر از خودش خریدار دیگری نیست ممکن است تنبائی کرده و نرخ را بالا و پائین بیآورد ولی وقتی که دولت اختیار و اقتدار داشته باشد میتواند داخل شود و صد هزار تومان یکجا بخرد و با خرید خودش قیمت نرخ را بالا ببرد و مردم هم اسیر يك دست که تنبائی کرده اند نشوند. این برای این است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای کلانی

**امیر تیمور کلانی** - عرض کنم خلاصه مطالب و جان کلان را آقای وزیر مالیه در ضمن بیانات آقای ملک مدنی بیان فرمودند که مقصود از این لایحه از دیاد عوائد دولت است. از این قسمت بنده عرض ندارم اما يك قسمت فرمودند که ما برای از دیاد عایدات مملکت که نبی توانیم دفته پیدا کنیم بنده عرض میکنم حضورشان خیر دفته را میتوان پیدا کنید و پیدا کردن دفته آسایش مردم است و با این لایحه و این وضع مالیات بنده نمی دانم تکلیف وزارت توتون و تنباکو در نواحی گیلان و غرب چه خواهد شد البته نمایندگان گیلان و غرب خودشان خواهند فرمود ولی تنباکوی شرق را که بنده میدانم زراعتش بکلی از بین می رود بنده خود یکی از موافقین جدی این قانون بودم در موقعی که در دوره هفتم مطرح شد انحصار دخانیات همان من سه قران که برای تنباکو

حاصل نشود و آن قانون تصویب نشود در اینجا هم نمائیم و رفتم در باغ بهارستان و جداً معتقد بودیم که این قانون زراعت توتون و تنباکو را بکلی از بین خواهد برد ولی بنده خودم جداً اعتراف میکنم که نظریات ما مصداق پیدا نکرد و الان هم توتون و تنباکو زراعت و مصرف میشود و چیز مهمی اتفاق نیفتاده و میفرمائید که به تنباکوی وسط صد صد سیصد مالیات بسته شد و الان مالیات یعنی حق انحصار تنباکو يك من سه قران است و يك من پنج قران بایستی گرفته شود. پس بر سه قران سابق امروز دو قران اضافه میشود. اگر میفرمائید که این پنج قران نسبت به سه قران زیاد است باز هم صد سیصد که نمیشود. از آنطرف هم ملاحظه بفرمائید از تنباکو يك من پنج قران گرفته میشود اما از توتون يك من سه تومان گرفته میشود. این فرق را در نظر بگیرید البته دولت تشخیص داده که بایستی يك تخفیفاتی نسبت به تنباکو قائل شود و در هر صورت اگر چنانچه جنابعالی يك نظریاتی دارید و حقیقه میدانید آن نظریات را ممکن است اجرا کنیم پیشنهاد بفرمائید میآید بکمسیون و اطیبان بهتان میدهم که در کمسیون اعضاء کمسیون شاید پیش از جنابعالی جدیت کردند و يك تخفیفاتی هم داده شده و شاید بعد هم اگر ممکن باشد جدیت کنند که يك تخفیفی داده شود

**رئیس** - آقای دکتر سمعی

**دکتر سمعی** - تصور میکنم قانون انحصار دخانیات یکی از بهترین قوانینی است که بمجلس آمده ولی در صورتیکه بمعنای تام آن رفتار شود از زمانی که دولت شروع کرد با اجرای این قانون ( جمعی از نمایندگان - بلند تر ) يك ضررهای کلی بزارعین وارد شده در صورتیکه اگر چنانچه معنای این قانون اجرا میشد يك تحمیلی بود تحمیلی عمومیت داشت اینطور نبود در صورتیکه اینجا بعکس ضرر متوجه زارعین میشود سابق بر این زارع زراعت خودش را میکرد و مالی که بدستش میآمد بتجار میفروخت ولی پس از اجرای این قانون انحصار تمام تحمیلات را

تاجر بآن زارع بدبخت کرد یعنی بزارع میگوید فلانقدر مالیات باید داده شود و اینهم باید بر جنس افزوده شود در صورتیکه پیش اینطور نبوده و این تحمیل از زارع گرفته نمیشده و بنده تصور میکنم اگر چنانچه دولت در نظر داشته باشد بهتر این است که بهمان معنای آن عمل کنند یا بوسیله شرکتهائی همانطور که آقای رهنما بیان کردند در دست يك شرکتهائی بدهد و آنها عمل کنند یا اینکه خود دولت بطور مستقیم عمل بکنند خودش مستقیماً بخرد و بعد مالیاتهای هم که وضع کرده است اضافه کند و بفروش برساند زارع بدبخت همیشه در گیلان معمول بوده تجار میفرقتند محصول آنها را خرید میکردند با يك منافع خیلی زیادی یعنی در هر تومانی ده شاهی پانزده شاهی منافع بآن می بستند ولی پس از این قانون زارع بدبخت شده و این مالیاتهای که الان وضع شده است از قیمت حقیقی جنس کسر کرده است در صورتیکه بایستی این کسر تحمیل بزارع بدبخت شود عقیده بنده این بود که این قسمت را دولت در نظر بگیرند حتی الامکان سعی کنند که تجار خریدارش نباشند و اینهم که آقای وزیر مالیه در ضمن بیاناتشان فرمودند در نتیجه رقابت ممکن است که قیمت حقیقی خودش را پیدا بکند اینطور نیست در تمام گیلان بنده تصور نمیکنم بیش از دو تاجر باشد که معامله توتون بکند و اینها برای منافع شخصی خودشان قطعاً يك تمایزهای با هم دارند ( صحیح است ) و این تحمیل حتماً بزارعین وارد میشود و این قسمت را خواستم آقای وزیر مالیه در نظر بگیرند که در موقعش توجه داشته باشند.

**مخبر** - خلاصه بکنیم فرمایشات آقای را اینطور نتیجه میگیریم که دولت باید خودش اداره بکند زیرا که بالاخره فرمودند يك کاری بکنیم که تاجر نخرد اگر تاجر نخرد خوب هر کس که خرید تاجراست تاجر که يك چیز دیگری نیست آنکه میخرد و میفروشد تاجر است تاجر که نخرد دولت باید بخرد. دولت اعتراف میکند که امروز من وسائل این کار را موجود ندارم بنده اضافه میکنم که مصلحت

مذاکرات مجلس دوره هشتم تقنینیه

نه زارع است و نه مردم که دولت با وضعیت حاضره دخالت بکنند بعلاوه اگر دولت دخالت کنند چه خواهد کرد آیا از این مالیات کمتر خواهد گرفت خیر قانون همین است اگر فشار بر زارع است همان فشار باقی است و اگر چنانچه بر مصرف کننده است همان هم باقی است و شاید اگر دولت خواست مداخله کند خوب اطلاع دارید که مأمورین جزء طرز معاملاتشان با مردم از چه قرار است و نظر نمایندگان محترم این است که حتی الامکان سعی بکنند تماس مردم را با مأمورین جزء یا مأمورین دولت یا بالاخره دولت کمتر بکنند و بنده هم اکیداً عرض میکنم این نظر را امروزه تئید نکنید تا مردم کمتر با دولت تماس داشته باشند این هم برای دولت بهتر است و هم برای مردم در هر صورت اگر جنبه عالی دیدید تشخیص دادید که دولت بهر وسیله که هست توانست وسائل اداره کردن را خودش فراهم کند تذکر بدهید این قانون انحصار اصلاً برای همین است و خودشان هم اعتراف کردند که البته بایستی در اولین روزی که اسسش برای ما موجود باشد همینطور بشود.

بعضی از نمایندگان - کافی است.

دشتی - بنده مخالفم.

رئیس - نوبه آقای اعتبار است.

دشتی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

بعضی از نمایندگان - کسی تکلمه کافی است.

رئیس - بفرمائید.

اعتبار - کسی نکفت کافی است.

دشتی - بنده در کفایت مذاکرات خواستم یک تذکری

بدهم بعد وارد شوم در مخالفت بعد از ختم نطق هر ناطقی

که سه نفر هوششان میگیرد بگویند مذاکرات کافی است

(چند نفر از نمایندگان - کسی نکفت) آقای احتشام زاده

همسایه بنده و یکی دو نفر اظهار کردند مخبر هم يك وسیله

دارد میگوید این مطالب را پیشنهاد کنید میروید کمیسیون

وقتیکه در کلیات مذاکره است میگویند آقا در مواد صحبت

کنید وقتیکه در مواد مذاکره میشود میگویند پیشنهاد بدهید و در شور دوم هم برای اینکه رد نشود لایحه از مجلس رأی داده میشود و این چیز خیل مضحکی میشود و بالاخره اینطور میشود که در لایحه دولت مذاکره نمیشود بنده يك فسه کوچکی در این باب عرض کنم چند سال قبل از اصفهان میآمدم بطهران در درشکه شخصی با یکی از رفقایم بودم این دوست محترم هوس داشت که خودش درشکه را براند و همیشه هم اسبها را میزد موقعی که این اسبها را راه میبرد در سربالائی میگفت اگر اسبها را نزنم نمیروند در سرازیری که درشکه خودش سرعت میرفت در زمین صاف هم میگفت این پدر سوخته ها اینجا هم نباید راه بروند و باز میزد حالا مذاکرات آقایان هم همینطور شده در کلیات میگویند در مواد صحبت کنید در مواد هم میگویند پیشنهاد بدهید در کمیسیون هم بهیچ وجه در پیشنهاد نظر نمی شود در شور دوم هم همین طور بالاخره همان نظریه دولت پیش می رود بنده خودم در لایحه يك عرایض مختصری دارم و آن این است که بنده نفهمیدم این لایحه را برای چه دولت آورده برای اینکه خود بنده يك تطبیق مختصری کردم با لایحه دوره هفتم تقریباً یکی است آقای وزیر مالیه هم اینجا توضیح دادند که این عین همان است یعنی عین همان قانون انحصار بنده نفهمیدم یعنی چه (فاطمی - ماده اولش را فرمودند) بلی ماده اولش را فرمودند تکرار است فقط يك فرقه ای جزئی است يك فرقه ای عبارتی است و این همانطوریکه آقای افشار اینجا نشان دادند يك فرقی در مالیات تنها کو پیدا شده که این را يك مقداری اضافه کرده اند خوب این را ممکن بود يك ماده واحده می آوردند که ما سابقاً از این تنها کو سه قران میگرفتم حالا شش قران میگیریم و این ارزش ندارد که يك لایحه باین تفصیل بیاورند دلیل این چیست سابقاً از تنها کو زهر ماری اینقدر میگرفتم حالا میخواهیم اینقدر بگیریم و دیگر داخل این بحث ها نمیشدیم عرض کنم که این لایحه بشکل لایحه انحصار است ما میخواهیم ببینیم که این انحصار شده است یا نه اگر چنانچه دولت میخواهد این را انحصار بکنند

باید يك اعتباری بگیرد تمام ماشینها را هم بخرد و بهیچکس هم اجازه ندهد سیکار درست کنند خودش اینکار را بکنند همانطور که در ترکیه هست همانطور که در فرانسه و بعضی از ممالک هست رژی را اداره بکنند و این اگر ضرر دارد باز يك فایده و آواتاژی هم دارد فایده اش این است که همانطور که آقای تفتی زاده اینجا اظهار کردند ممکن است شروع بکنند باصلاح زراعت تنها کو باصلاح توتون سیکار و بالاخره سیکار های ایران را مثل سیکار های ترکیه و مصر قبل کش بکنند و اداره درست بکنند که تنها کو و توتون و سیکار این مملکت را طوری اصلاح کنند که بتوانند آئینه جای تریاک ایران را بگیرد ولی اینطور که صحبت کردند یک مرتبه اظهار کردند که دولت پول ندارد و يك مرتبه صحبت کردند که ما میخواهیم دو میلیون اعتبار بگیریم که اگر تجار خواستند اوزان بخرند دولت بتواند بخرد اینجا معلوم میشود که نمیخواهند انحصار را عملی کنند خوب در صورتیکه نمیخواهند انحصار را عملی بکنند علت نداشت که اسم قانون را بگذارند قانون انحصار اگر دیدید در قند و شکر اسم انحصار گذاشتیم برای این بود که چون از خارج وارد میشد نمیتوانستیم عنوان دیگری برایش قائل شویم ولی این عنوان در مالیات زیاد کردن بر تنها کو چیز مضحکی است ما میخواهیم خودمان را گول بزنیم چه لزوم دارد اینکه اگر دولت میخواهد حقیقه انحصار را عملی بکند باید صریحاً و علناً آقای وزیر مالیه بروند پشت تریبون بفرمائید که ما از یکماه دیگر از یکسال دیگر از پنجماه دیگر خیار داریم که بکلی انحصار را عملی بکنیم که در تمام مملکت هیچ اداره هیچ مغازه برای سیکار نباشد مگر با اجازه دولت آن هم برای فروش و الا خود دولت سیکار را عمل بیاورد بالاخره برای صدور و اینکه عرض کردم در صورتی است که دولت این تصمیم را بگیرد که سیکار ایران را يك سیکاری بهتری بکند توتونش را بهتر تهیه بکند پیچیدن سیکارش را بهتر بکند که بالاخره مثل سیکار های سایر ممالک

تهیه شود و بشود کشید و اگر دولت نخواهد انحصار بکند و بخواهد مالیات را زیاد بکند بعقیده بنده لایحه به این عرض و طول لازم نیست اسم انحصار لازم نیست و علاوه بر این ها باید دلیل بیاورد که چرا می خواهد مالیات را زیاد کند برای اینکه مالیات زیاد کردن يك دلیل محکمی باید داشته باشد و آن کسر خرج باید باشد وقتی دولت میخواهد مالیات را زیاد کند و يك عایدات جدیدی پیدا کند باید يك لایحه بیاورد بمجلس که ما بودجه مان کم است و تکافو نمیکند با این مخارج پس باید عایدات زیاد شود و الا اگر کسر ندارد و بی جهت هوس کرده اند که معنی ندارد همینطور ادارات مالیه که ابداً اطلاع ندارند از غالب نقاط و خیال میکنند امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مثل کار های ماشینی است و آقای کازرونی که خودشان را همیشه یکی از طرفداران طبقه رنجبروزارِع میدانستند اینجا باکمال آزادی چون مخبر کمیسیون هستند یا میشوند دفاع میکنند بنده عرض میکنم که شما گردش کنید در اطراف این مملکت و ببینید که طبقه زارع در چه حال است بدبخت ترین تمام طبقات این مملکت زارعین هستند (صحیح است) و عرض میکنم اینها در ایران ولی النعم ما هستند (صحیح است) اگر زارع نباشد در این مملکت پس ما چه داریم پس در درجه اول دولت و مجلس شورای ملی باید متوجه حال زارعین باشد و آنگاه ما در هر مالیاتی که وضع میکنیم تحمیل بر طبقه زارعین میکنیم اینجا مکرر در همین مجلس صحبت شده است يك عقیده و بنده هم باین عقیده معتقد هستم که حتی الامکان اگر بشود مالیات غیر مستقیم مالیاتی که بزراعت تحمیل میشود بر دارند بهتر است آنگاه شما روز بروز تحمیلات زارعین را زیاد بکنید بانواع و اقسام مختلف آنگاه اگر بنده هم مخبر کمیسیون باشم خودم را موظف میدانم دفاع کنم یا میشوم میگویم چه قانونی از این بهتر بزراع چه ضرری وارد میآید یا رسال دوره هفتم این قانون را گذرانیدم خیال میکردیم که این زراعت از بین میرود ولی دیدیم و خودم دیدم که زراعت توتون از بین رفت آقای کازرونی

چه میدانند که زراعت توتون تنها کو کم نشده کدام احصائیه نشان داده است که از قانونی که در دوره هفتم تصویب شده است طبقه زارع و طبقه که توتون کارند چقدر ضرر وارد شده ایشان چه میدانند ما مجبوریم این حرفها را در کلیات بزنیم و بالاخره دولت يك لايجه که میآورد بمجلس و میفرستد بکمسیون غرض این نیست که این لايجه حتماً بگذرد غرض این است که در این لايجه بحث شود و تنقیح شود و وقتی که تنقیح شد میآوردند بمجلس و درش گفتگو بشود بالاخره آنکسی که اجازه میگیرد برای هوس اجازه نمیگیرد که مقابل میز رئیس مجلس اسامی اجازه گیرندگان پنج شش نفر گذارده شود آنوقت میفرمایند کافی است و کیلیتی که اجازه گرفته باید حرفش را بزنند.

**مخبر -** اولاً بنده مجتهد عرض میکنم (بعضی از نمایندگان - بفرمائید پشت تریبون) که هیچکس مانع صحبت داشتن ایشان در مجلس نبود شما ببینید چند ساعت است ما در اطراف ماده اول و کلیات صحبت می‌داریم پس اینها که صحبت داشتند نماینده نبودند حرف نزدند جواب و سؤال نشد کی مانع شد؟ و اصلاً آقای دشتی که میخواهند صحبت بدارند کی گفت صحبت ندارید شاید يك کسی بطور مزاح حرفی زده و بگوشش خورده در صورتیکه از طرف مجلس گفتند کسی صحبت نکرده يك شرح مبسوطی در این باب صحبت داشتند خوب البته بدارید مذاکره نکنید شرحی هم از بنده تنقید کردند که طرفدار زارع و فلاح بوده و حالا طرفداری از دولت میکنم عرض میکنم که دولت زارع و مردم همه در حکم نفس واحد همه بذل مساعی می‌کنیم برای اصلاح امور اجتماعی خودمان (صحیح است) ما که نبیستی مخالف دولت بشیم من اگر موافقت با زارع دارم بجهت موافقت با زارع دولت است موافقت با دولت دارم بجهت موافقت با زارع است علاوه بر این رفقای محترم من اطلاع دارند که در کمسیون خیلی خیلی بیش از این سنگ زارع و مردم را بسینه زدم (یکی از نمایندگان - در کمسیون سنگ نبود)

تا اندازه هم که ممکن بوده است اصلاحاتی کرده‌ام ولی اینجا وظیفه من این است که دفاع از نظر کمسیون بکنم و در انجام وظیفه بنده خیانت نمیکنم کمسیون محترم بمن وظیفه داده که اینجا دفاع کنم بنده اینجا خیانت کنم نظر شخصی خودم را ترجیح بدهم مجلس را مسخره کنم نمیکنم همچو کاری (صحیح است) میفرمایند غرض از آوردن این قانون بمجلس چه بوده اینکه فرقی ندارد اگر فرقی ندارد پس این داد و ببیاد و گفتگو ها چه چیز است پس این حرفها از کجا پیدا میشود چرا در هر يك از مواد با اصلاحاتی دارد یا يك چیز تازه وارد کرده اند که من حیث المجموع مقتضی اینطور بود که تمام قانون را به مجلس بیآورند و اینطور تصویب شود قدری دقت کنید قدری مواد را به بنید از حرف قدمی رو بعمل و مطالعه بگذارید خواهید دید که يك ماده که درش اصلاحی نشده باشد وجود ندارد دولت برای هر يك از مواد يك قانونی بیآورد که این (ه) را اینجا درست کن این (ن) را آنجا درست کن قانون را اینطور بمجلس بیآورده اند میفرمایند کارزونی چه احصائیه دارد که زراعت توتون و تنها کو کم نشده آقا چه احصائیه دارید که زراعت توتون و تنها کو کم شده؟ (با حرارت) احصائیه من احصائیه دولت است دولت بچه دلیل احصائیه اش را غلط مینویسد چرا؟ برای چه مقصود؟ نذر کرده دروغ بنویسد نذر کرده برخلاف واقع بنویسد؟ احصائیه دولت نشان میدهد که زراعت توتون و تنها کو در این چند ساله اخیر زیاد شده است من هم اعتبار با این احصائیه دارم همین احصائیه را اینجا اظهار میکنم میگویم زراعتش زیاد شده این است عراض من و در هر صورت ایشان خوب اگر چنانچه نکویم پیشنهاد بدهید چه بگویم میگویم آقا اگر نظر صائب خوبی دارید پیشنهاد بدهید این را هم که بگویم کسی هم که مخالف نیست پس تکلیف چیست عجب! (خنده نمایندگان)

**بعضی از نمایندگان -** کافی است  
**رئیس -** کافی است؟

**عراقی -** خیر بنده مخالفم.

**اعتبار -** بنده اجازه خواسته‌ام

**رئیس -** حقوق ذری الحقوق از بین رفت. بفرمائید.

**عراقی -** آقای کارزونی خیلی خوب کردند با حالت

عصبانی صحبت کردند قبل از اینکه با حالت عصبانی صحبت کنند متوجه بسؤال بودند و جواب ولی با حالت عصبانی نمیدانم متوجه هستند یا نه از این جهت عرض میکنم مذاکرات کافی نیست علاوه در ماده اول این قانون یا هر قانونی که بمجلس میآید در ماده اول حق دارند در کلیات و سایر مواد صحبت کنند علاوه بر اینکه در خود ماده صحبت میکنند در تمام مواد حق دارند و نظیرش را خود آقای کارزونی اطلاع دارند که میشود ولی قسمت زراعت توتون يك قسمتی از ایران باشکارت مبتلی هستند این هم قانونی است راجع بزراعت توتون. غرب يك قسمت مهمش ابتلاء باین زراعت دارند تنها کو و توتون دارند در خراسان همینطور است آذربایجان عمینطور است جنوب خودشان همینطور زراعت تنها کو دارد (یکی از نمایندگان - مازندران) بلی صفحه مازندران دارد این قانون را میخواهیم يك قانونی باشد که مثل آن قانون که میفرمائید سال دیگر مجبور باشیم بیآوریم عرض کنیم بلکه يك کاری بکنیم که حتی المقدور بعمل نزدیکتر باشد در ولایتی که تنها کو کاری دارند حضرتعالی اگر مسبوق باین بنده در قسمت خودمان از صفحه عراق خودمان عرض میکنم کم شده بواسطه قانونی که سابق بود حالا یا از عامل یا از وضع قانون بود کمتر شده پس شما نباید يك دفعه بگوئید کم نشده اگر شما نظرتان به بیان و اظهار رئیس انحصار است اگر رئیس انحصار گفته است کم نشده ممکن است او رو به مرقه گفته باشد ولی آهائی که از ولایات خودشان اطلاع دارند کم شده من در ولایت خودمان اطلاع دارم کم شده بنده تقاضا میکنم خسته نشوید التزام هم نداریم حکماً در این جلسه مذاکرات در کلیات کافی شده باشد و ماده اول و دوم وسومش تمام شده باشد چند جلسه صرف میکنیم برای این کار و این قانون مجلس برای همین است که در این مسائل

کاملادقت کنند مباحثه کنند بدون اینکه حرف همدیگر موجب عصبانیت آن یکی باشد نه جنابعالی خیلی بیش از بنده با دولت موافق هستید نه من از شما با رنجبر موافقترم همه مان جامعه هستیم که میخواهیم اداره این مملکت را بچرخانیم پس نباید حضرتعالی عصبانی شوید و اوقاتان تلخ شود بنابراین بنده استدعا میکنم مذاکرات کافی نباشد جلسه دیگر هم داریم کاری نشده که ما بگوئیم مذاکرات کافی است.

**رئیس -** آقایانیکه با کفایت مذاکرات موافقتند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

**رئیس -** تصویب نشد. آقای اعتبار

**اعتبار -** آقایان کاملاً خسته شده اند بنده هم تصدیق میکنم و لذا تکرار نمیکنم. مطالب گفته شده را ولی يك موضوعی است که باید اینجا عرض کنم آقای وزیر مالیه هم درست متوجه نشدند توجه بفرمایند بنده این اشکالی که هست عرض کنم و اصلاح شود. يك ماده نهی در این قانون هست که میگوید: وزارت مالیه مجاز است قبوضی را که از بابت یکمن یا زرده قران تفاوت توتون نیم کوب در هذه السنه تا تاریخ تصویب این قانون دریافت نموده با صاحبان آنها مسترد دارد. بنده میخواستم تریخچه این ماده نه را بعرض آقایان برسانم که از کجا بالاخره وزارت مالیه دارای قبوضی شده از تجار و از مردم که حالا آنرا ببخشد در ماده دو قانون سابق توتون بست مثل مال همدان و بروجرد و نهبوند و ملایر را برایش دو قران و سه قران و پنج قران مالیت معین کردیم و شرح قضیه و عملش این بود که این توتون از بروجرد حمل میشد و یکمن دو قران مالیتش را هم میداد ولی مصرف توتون خوزستان بود میرفت آنجا نیم کوب میشد بصورت چیکناره بر میگشت و آن وقت مطابق قانون سابق که در داده در نوشته است توتون چیکناره يك من سه تومان یا من سه تومان از اینها می‌چسبیدند مطالبه میکردند پس زاینکه این قضیه در خوزستان در بروجرد در همدان تمام تجار در این قضیه مداخله

کردند ما اینجا اقدامات کردیم يك دوسیه مبسوط و مشروحي دارد و بنده میخواستم استدعا كنم از آقای رزیر مالیه كه این دوسیه را از اداره انحصار بگیرند و ملاحظه بكنند این دوسیه چه بود؟ پس از مذاکرات زیاد و بالاخره کمیسیون های زیادی كه شد آمدند و بالاخره اینطور توافق كردند برای اینکه آن ترتیب بهم نخورد و مخالف قانون نباشد گفتند آن يكمن دو قران و پنجقران كه شما داده اید بسیار خوب مالیاتش را داده اید بقیه را يك قبضی بدهید بما آن قبض را ما مخصوصا در کمیسیون مذاکره شده در آنجا قید شد در صورت مجلس هم نوشتیم كه برای اینکه يك راه قانونی داشته باشیم این قبض را بما بدهید تجزیه هم قبول كردند آمدند يك قبوضی دادند با اداره انحصار و بالاخره توتون های خودش را به صرف فروش رساندند و تمام شد حالا این قبوض يكمن پانزده قران همان قبوضی است كه دولت به آنها میبخشید این بجای خودش صحیح بنده در قسمت مالیاتش هم حرف ندارم كه يكوم زیاد است كم است مالیاتش را هم بنده عقیده دارم هفت قران نه قران دوازده قران مالیات بدهند این بنظر بنده اینقدر اهمیت ندارد این توتون در خود محل مصرف ندارد مصرف فروشش همینطور كه عرض كردم بصورت نیمكوب بر میگرد آن وقت میرود بخوزستان بصورت جیكاره میشود اینجانبند دیدم در قانون اسمی از نیمكوب نبرده اند و وقتیكه بنده خودم خدمتشان عرض كردم فرمودند اصلا از قلم افتاده در راپورت نوشته نشده و حال اینکه هیچجه قران شده و بیست و چهارقران و بعد در سال سوم سه تومان قائل شده اند بنده عرض میکنم يك توتونی را كه شما نتوانید يك من پانزده قران ازش بگیریید يك محصولی كه پانزده قران را نتواند بدهد و شما مطابق ماده نه برگذار میکنید و میبخشید آنوقت چطور هیچجه قران و بیست و چهارقران بدهد اینجا بنده نظرم این است و میخواهم اینجا عرض كنم كه اداره انحصار دولت اكتفا بكنند بهمان مالیاتی كه در دست اول از او میگیرد یعنی آن هفت قران و نه قران

هم استعمال میکنند و اگر مالیات ارزان باشد بدیهی است صدمه بتوتون سیگار میزند و بیشتر آنرا داخل میکنند بطور قاچاق یعنی سیگارها و جیكاره را وارد میکنند برای اینکه از مالیات فرار كنند اما اینکه مالیاتی برایش وضع شده بنظر شما زیاد میآید این برای این است كه سابق بر این فرض بفرمائید شش سال پیش از این هفت سال پیش از این توتون سیگار هم شش قران هفت قران مالیات میداد آنوقتها سنگین بوده و متناسب با سایر چیزها آمده اند پنجقران گرفته اند دو قران هم اضافه کرده اند ولی حالا كه سه تومان است باز هم قانون بیاوریم كه پنجقران بگیریم برای اینکه در آنموقع سنگین بوده است حالا برای توتون نیمكوب ما اینجور فرض میکنیم كه پانزده قران است و از حالا بعد سال بسال يك چیزی زیاد بشود اما حالا پانزده قران نیست مالیاتش حالا سه تومان است و اگر از سه تومان میخواستند مالیات را بالا ببرند چهار تومان و نیم پنج تومان بود اول سه تومان را نصف میکنیم مالیات سه تومان را پانزده قران قرار میدهیم و بعد در سالهای دیگر متناسب با سایر چیزها توتون و تنباكو و توتون سیگار و سایر محصولات مملكتی كه مالیاتش بالا میرود این مالیات هم بتدریج بالا میرود اما اینکه در گذشته هم اینها مجبور بودند كه برای هر منی پانزده قران بدهند و این را تخفیف میدهیم میبخشیم و معاف

میکنیم ولی این مانع میشود كه سال آینده مثل سایر توتونهای دیگر تنباكو و سیگار يك چیزی بر مالیاتش اضافه شود این است كه این را بتدریج بالا میبرند حالا بالا میبرند حالا سه تومان است میشود پانزده قران سال دیگر میشود هیچجه قران و سالهای دیگر اضافه میشود روحی - کافی است .

رئیس - کافی است؟ (گفته شد - کافی است) پیشنهادی كه در اینخصوص شده قرائت میشود پیشنهاد آقای مجد ضیائی

در ماده ۱ اصلاح ذیل را در قسمت خریداری ماشین پیشنهاد میکنم

خریداری ماشین و ادوات مذكوره بر طبق تقویم دو نفر مقوم از طرف مؤسسه و صاحب مال خواهد بود در صورت اختلاف حكم مشترك از میان چهار نفر بقرعه معین و تقویم اکثریت قاطع خواهد بود.

[ ۳ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده يكشنبه بیست و چهارم بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه دخانیات (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر